

آنچه از بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه شنیدیم [Farsi]



ROYAL COMMISSION OF INQUIRY
INTO THE TERRORIST ATTACK
ON CHRISTCHURCH MOSQUES
ON 15 MARCH 2019

TE KŌMIHANA UIUI A TE WHAKAĒKE
KAIWHAKATUMA I NGĀ WHARE
KŌRANA O ŌTAUTAHĪ I TE
15 O POUTŪ-TE-RANGI 2019

آنچه از بازماندگان، شاهدان و *whānau* متأثر از واقعه شنیدیم

تاریخ انتشار 26 نوامبر 2020

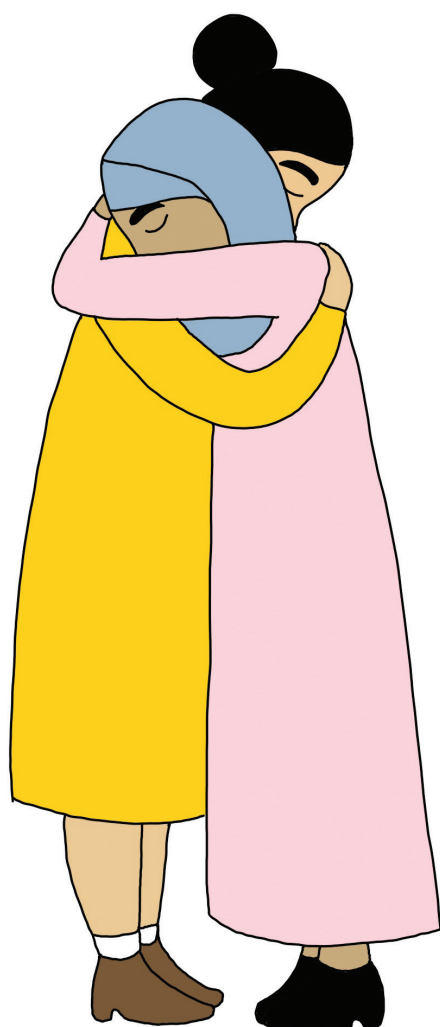
(نسخه پی‌دی‌اف) ISBN 978-0-473-54879-7

(نسخه کاغذی) ISBN 978-0-473-55300-5

© کپی‌رایت 2020

این سند در وب‌سایت زیر به صورت آنلاین در دسترس است:
www.christchurchattack.royalcommission.nz

چاپ‌شده با استفاده از کاغذهای دارای تأییدیه ECF و FSC
که عاری از اسید و قابل تجزیه هستند.



اینجا خانه شماست
و باید
در آن امنیت می داشتید

این نقاشی و متن از سوی هنرمند، روبی جونز، اهدا شده است.
کمیسرین سلطنتی عمیقاً قدردان استعداد و سخاوت روبی است.

پیش‌گفتاری از سوی اعضای کمیسیون



السلام علیکم و *tēnā koutou*.

در ابتدا می‌خواهیم از صمیم قلب با whānau پنجاه‌ویک شهید و بازماندگان و شاهدان حمله تروریستی و whānau آن‌ها ابراز همدردی کنیم. در طول تحقیقات‌مان، مدام به فکر شما بودیم. از ابتدای امر به اهمیت این تحقیق واقف بودیم اما به مرور که ماجراها، تجربیات و مشاهدات شما را بیشتر شنیدیم، درک و شناخت‌مان از ماهیت حقیقی این تحقیق افزایش یافت. شما واقعیت دلخراش این حمله تروریستی و اثرات متمادی آن را به ما نشان دادید. تجربیاتی که با ما در میان گذاشتید انگیزه‌ای مضاعف شد تا بیشتر به دنبال پاسخ‌ها باشیم، مطمئن شویم هر آنچه ممکن بود را انجام داده‌ایم و به شما اطمینان دهیم که نظام امنیت ملی نیوزیلند برای نیل به این هدف کارآمد است. از صمیم قلب متشکریم که با ما دیدار کردید، در قلب‌ها و خانه‌هایتان را به رویمان گشودید و داستان‌هایتان را با ما در میان گذاشتید.

شنیدن صحبت افرادی که بیشترین آسیب را از حمله تروریستی دیده بودند اطلاعات زیادی به سیر تحقیقاتی‌مان افزود و درک عمیق و ارزشمندی نسبت به روند بهبود پس از چنین حمله دلخراشی در اختیارمان گذاشت. این مسئله بسیار ما را تحت تأثیر قرار داد و باور داریم که بر غنای گزارش ما افزوده است.

همچنین قدرتان کسانی هستیم که به هر دلیلی نخواستند یا نتوانستند تجربیات‌شان را با ما در میان بگذارند، چه از این رو که احساس کردند زمان یا شرایط مناسب این کار را ندارد، چه به هر دلیل دیگری. می‌دانیم که مشارکت در فرآیندی رسمی و دارای محدودیت زمانی با نیازهای تمام افرادی که شاید تمایل داشتند با ما صحبت کنند مطابقت نداشت. واقفیم که روایت‌ها، تجربیات و شواهدی که در این‌جا آمده است نمایانگر whānau تمام 51 شهید، بازماندگان و شاهدان این حمله تروریستی نیست. از خوانندگان دعوت می‌کنیم که این صفحات را باز کنند و درمورد درکی که ما افتخار داشتیم از افراد عمیقاً متأثر از حمله تروریستی به دست آوریم تأمل کنند.

جکی کین
عضو کمیسیون

قاضی سر ویلیام یانگ KNZM
رئیس

فهرست مطالب

واژه‌نامه	اصطلاحات استفاده‌شده در این سند	4
فصل 1	زمینه	6
	کمیسیون سلطنتی تحقیق دربارهٔ حملهٔ تروریستی	6
	به مساجد کرایست چرچ در تاریخ 15 مارس 2019	7
	محدودیت‌های تحقیق	7
	زمان‌بندی تحقیق	7
	هدف این سند و فرآیند کار ما	7
	سؤالاتی که از بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه پرسیدیم	10
فصل 2	پیامد حملهٔ تروریستی	12
	پیامدهای مستقیم حملهٔ تروریستی	12
	پیامدهای ثانویه	14
	حمایت جوامع گسترده‌تر نیوزیلند	14
	دریافت حمایت مناسب از طرف نهادهای بخش دولتی، چالش‌برانگیز است	14
فصل 3	زندگی در نیوزیلند به‌عنوان مسلمان	23
	نیوزیلند به‌طور کلی وجههٔ مثبتی دارد، اما نژادپرستی،	23
	تبعیض و اسلام‌هراسی گسترده‌ای در آن وجود دارد	23
	اثرات تعصب (ناخودآگاه یا به هر شکل دیگر)، به‌ویژه در رسانه‌ها	23
فصل 4	سؤالات مطرح‌شده در خصوص فرد و آنچه نهادهای بخش دولتی	27
	از فرد تروریست می‌دانستند	27
فصل 5	راهکارهای پیشنهادی بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه	29
	افزایش امنیت در مسجد	29
	پذیرفتن حقوق بشر، تنوع و کاهش تأثیرات	29
	افراط‌گرایی زیان‌آور	29
	اصلاحات نظام امنیت ملی نیوزیلند	31
فصل 6	سایر مسائل مطرح‌شده توسط بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه	34
	پاسخ پلیس نیوزیلند به حملهٔ تروریستی	34
	تعامل فرد با نظام عدالت کیفری	35
ضمیمه	فرآیند آماده‌سازی این سند	37

اصطلاح	تعریف
حجاب	پوشش سر که برخی زنان مسلمان در ملأ عام می‌پوشند.
نهادهای اطلاعاتی و امنیتی	اداره امنیت ارتباطات دولت و سرویس اطلاعات امنیتی نیوزیلند. این یک اصطلاح حقوقی در قانون اطلاعات و امنیت 2017 است.
مساجد	واژه عربی برای اشاره به بیش از دو مسجد.
مسجد	واژه عربی برای mosque، مکان پرستش مسلمانان. در عربی، معنای تحت‌اللفظی مسجد، «مکان سجده (در نماز)» است.
مسجد النور	واژه‌ای عربی برای اشاره به مسجد النور.
مسجدین	واژه عربی برای اشاره به دو مسجد.
شهاد	واژه عربی به معنای جمع «شهید». از اصطلاح شهدا در این سند برای اشاره به افرادی که در مقام شهید و در نتیجه حمله تروریستی 15 مارس 2019 کشته شدند استفاده می‌شود.
جامعه سراسری اطلاعات نیوزیلند	گروه نهادهای بخش دولتی که اطلاعات مخفی را جمع‌آوری، ارزیابی یا به هر شکل دیگری استفاده می‌کنند و نهادهایی که اطلاعات طبقه‌بندی‌شده را برای سیاست‌ها و عملیات‌های خارجی یا داخلی جمع‌آوری یا استفاده می‌کنند. شامل نهادهای جامعه اطلاعات نیوزیلند (گروه امنیت ملی اداره نخست‌وزیر و کابینه، اداره امنیت ارتباطات دولت و سرویس اطلاعات امنیتی نیوزیلند) و دیگر نهادهای بخش دولتی مانند اداره اصلاح و تربیت، اداره مهاجرت نیوزیلند، وزارت صنایع بنیادین، خدمات گمرک نیوزیلند، نیروی دفاع نیوزیلند و پلیس نیوزیلند.
whānau	Te reo Māori (زبان Māori) اصطلاح به معنی خانواده.



فصل 1: زمینه

- 1 در تاریخ 15 مارس 2019، مسجد النور و مرکز اسلامی لین‌وود در شهر کرایست‌چرچ هنگام برپایی نماز مورد حمله فرد تروریستی از جناح راست قرار گرفتند. پنجاه و یک نفر کشته و 40 نفر با اصابت گلوله مجروح شدند.
- 2 واکنش دولت به این حمله تروریستی شامل دو اطلاعیه شایان توجه بود:
 - ا) اطلاعیه‌ای در تاریخ 21 مارس 2019 مبنی بر ممنوعیت فوری سلاح‌های نیمه‌خودکار نظامی، تفنگ‌های تهاجمی و خشاب‌های ظرفیت بالا. و اجرای طرحی برای بازخرید آن‌ها.
 - ب) اطلاعیه‌ای در تاریخ 25 مارس 2019 مبنی بر اینکه کمیسیون سلطنتی تشکیل خواهد شد تا دربارهٔ رخدادهایی که منجر به این حمله تروریستی شده‌اند تحقیق به عمل آورد.
- 3 در تاریخ 26 مارس 2020، مردی استرالیایی در رابطه با این حمله تروریستی به قتل 51 نفر، اقدام به قتل 40 نفر و یک اتهام تروریسم اعتراف کرد. او در تاریخ 27 اوت 2020 به حبس ابد بدون عفو مشروط محکوم شد. در تاریخ 1 سپتامبر 2020، نخست‌وزیر نیوزیلند طبق بخش 22 قانون سرکوب تروریسم مصوب 2002 این مرد را تروریست معرفی کرد. با معرفی فردی به عنوان تروریست، طبق قانون نیوزیلند تمام دارایی‌هایش بلوکه شده و هرگونه همکاری یا حمایت از فعالیت‌های فرد تروریست جرم محسوب می‌شود. تصمیم گرفته‌ایم در این سند نامی از فرد تروریست نبریم و به جای آن، به طور کلی به او با عنوان «فرد» اشاره کنیم.

کمیسیون سلطنتی تحقیق دربارهٔ حمله تروریستی به مساجد کرایست‌چرچ در تاریخ 15 مارس 2019

- 4 کمیسیون سلطنتی تحقیق دربارهٔ حمله تروریستی به مساجد کرایست‌چرچ در تاریخ 15 مارس 2019 (کمیسیون سلطنتی) تشکیل شد تا فعالیت‌های فرد پیش از 15 مارس 2019 را بررسی کرده و دربارهٔ موارد زیر تحقیق کند:
 - ا) کدامیک از نهادهای بخش دولتی پیش از 15 مارس 2019 فرد را می‌شناخته‌اند؛
 - ب) در صورتی که نهادهای بخش دولتی فرد را می‌شناخته‌اند با این اطلاعات چه کرده‌اند (اصلاً کاری کرده‌اند یا خیر)؛
 - ج) آیا نهادهای بخش دولتی قادر بودند کار دیگری برای جلوگیری از حمله تروریستی انجام دهند یا خیر؛ و
 - د) نهادهای بخش دولتی چه کارهای دیگری باید انجام دهند تا جلوی این‌گونه حملات تروریستی را در آینده بگیرند.
- 5 کمیسیون سلطنتی باید در رابطه با موارد زیر به نتایجی برسد:
 - ا) آیا نهادهای بخش دولتی اطلاعاتی داشتند که می‌توانست درباره این حمله تروریستی به آن‌ها هشدار دهد یا خیر؛
 - ب) نهادهای بخش دولتی چطور با هم همکاری و تبادل اطلاعات کردند؛
 - ج) آیا ناکامی نهادهای دولتی در پیش‌بینی این حمله به دلیل تمرکز نامناسب منابع ضدتروریسم بوده است؛

د) آیا نهادهای بخش دولتی در سطح استانداردهای لازم ظاهر نشده‌اند یا به نوعی مقصر بوده‌اند؛ و

ه) هر مورد دیگری که برای ارائه گزارش کامل ضروری است.

6 کمیسیون سلطنتی باید در رابطه با موارد زیر توصیه‌هایی ارائه دهد:

ا) نهادهای بخش دولتی باید چه اصلاحاتی در نحوه جمع‌آوری، تبادل و تحلیل اطلاعات اعمال کنند؛

ب) سیستم‌ها یا رویه‌های عملیاتی نهادهای دولتی چگونه می‌توانند بهبود یابند تا از بروز حملات تروریستی در آینده جلوگیری کنند؛ و

ج) هر مورد دیگری که برای ارائه گزارش کامل مورد نیاز است.

7 این توصیه‌ها می‌تواند شامل تغییرات قانون (به‌جز قوانین مربوط به سلاح‌های گرم)، سیاست‌گذاری‌ها، قواعد، استانداردها و رویه‌های عملی باشد.

محدودیت‌های تحقیق

8 کمیسیون سلطنتی اجازه ندارد در مورد موضوعات زیر تحقیق کند:

ا) مجرم یا بی‌گناه بودن هر فردی که در رابطه با حمله تروریستی متهم شده یا ممکن است در آینده متهم شود؛

ب) اصلاحات قانون سلاح‌های گرم؛

ج) فعالیت سازمان‌های خارج از بخش دولتی مانند بسترهای رسانه‌ای؛ و

د) نحوه واکنش نهادهای بخش دولتی به حمله تروریستی از زمانی که آغاز شد.

زمان‌بندی تحقیق

9 کمیسیون سلطنتی در تاریخ 10 آوریل 2019 شروع به فعالیت کرد و از 13 مه 2019 دریافت شواهد آغاز شد. تحقیق ما شامل چندین فاز می‌شد که با هم هم‌پوشانی داشتند، از تأسیس گرفته تا برقراری ارتباط با جوامع، تحقیق و جمع‌آوری شواهد، برگزاری مصاحبه‌های مستند، تحلیل و تبادل نظر، گزارش پیشرفت و ارائه.

10 تاریخ اولیه ارائه گزارش 10 دسامبر 2019 بود که متعاقباً پس از دو بار تمدید، تاریخ نهایی آن 26 نوامبر 2020 اعلام شد. این تمهیدها به دلایل زیر ضروری بودند:

ا) حجم زیاد مطالبی که باید ارزیابی می‌کردیم؛ و

ب) اختلالی که به واسطه همه‌گیری کووید-19 به وجود آمد.

11 گزارش خود را به فرماندار کل، بانو پتسی ردی تقدیم کردیم. فرماندار کل گزارش را برای بررسی در اختیار دولت قرار داد.

هدف این سند و فرآیند کار ما

12 بخشی حیاتی فرآیند کار کمیسیون سلطنتی برقراری ارتباط با whānau پنجاهویک شهید (افرادی که در این حمله تروریستی کشته شدند) و بازماندگان و شاهدان حمله تروریستی و whānau آن‌ها بود. آن‌ها در کانون توجه ما و این

تحقیق قرار داشته‌اند. این کمیسیون سلطنتی تشکیل شد تا به فاجعه 15 مارس 2019 رسیدگی کند که مصیبت و آسیب سنگینی به دنبال داشت و جان بسیاری را گرفت.

13 این گروه از افراد را در مجموع قربانیان می‌خوانیم که در مورد بعضی از آن‌ها گواه بر لطماتی است که به آن‌ها وارد شده است. با این حال بعضی دیگر از آن‌ها واژه قربانی را دوست ندارند. درباره بازماندگان هم دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. بعضی از افرادی که متأثر از این واقعه بوده‌اند ترجیح می‌دهند به هیچ نام خاصی خوانده نشوند. در این سند از عبارت توصیفی «بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه» برای اشاره به whānau پنجاه‌ویک شهید، بازماندگان، شاهدان این حمله تروریستی و whānau آن‌ها استفاده می‌کنیم.

14 تمرکز اصلی این سند ثبت جامع چیزی است که از بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه شنیده‌ایم. با توجه به قابل توجه بودن آنچه که شنیده‌ایم، حس کردیم مهم است که داستان‌ها، تجربیات و شواهد افرادی که بیش از دیگران تحت تأثیر این حمله تروریستی قرار گرفته‌اند را به رسمیت بشناسیم.

15 نیت‌مان این بود که اگر بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه علاقه‌ای به دیدار با ما داشته باشند این جلسات را در رأس اولویت‌هایمان قرار دهیم. با تمام اعضای خانواده شهدا دیدار کردیم: زن‌ها، شوهرها، مادرها، پدرها، برادرها، خواهرها، پسرها، دخترها، خاله‌ها، دایی‌ها، عمه‌ها، عموها و فرزندان‌شان. همچنین با کسانی که آسیب دیده بودند (آسیب جسمی و/یا روانی)، بازماندگان و شاهدان حمله تروریستی و whānau آن‌ها هم ملاقات داشتیم.

16 زمانی که فرآیند کار خود را آغاز کردیم فهرستی از بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه نداشتیم. نهادهای مربوطه بخش دولتی و سازمان‌های اجتماعی به دلیل حفظ حریم خصوصی قادر نبودند نام یا شماره تماس‌هایی که داشتند را در اختیار ما بگذارند. برای برقراری ارتباط با تعداد بیشتری از بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه به صورت عمومی از افرادی که این حمله بیشترین تأثیر را بر آنها گذاشته بود دعوت کردیم تا بر اساس شروط خودشان با ما دیدار داشته باشند.

17 از امام‌های جماعت محلی خواستیم به مردم اطلاع دهند که در صورت تمایل می‌توانند با ما دیدار کنند. برای اطمینان از اینکه دعوت ما به گوش بیشترین تعداد ممکن برسد از دیگر گروه‌ها/سازمان‌ها هم خواستیم در رابطه با فرصت امکان ملاقات با ما اطلاع‌رسانی کنند؛ از جمله گروه رابط مسلمانان کرایست چرچ، اعضای گروه مرجع جامعه مسلمانان، حمایت از قربانیان و وزارت توسعه اجتماعی. این دعوت را در وب‌سایت‌مان و رسانه‌ها هم منتشر کردیم، در طول جلسات به افراد و به صورت تلفنی به تماس‌گیرنده‌های خطوط 0800 خبر دادیم و نسخه‌هایی از این دعوت را هم دادیم تا بر تابلوی اعلانات مساجد نصب کنند.

18 از حمایت وکلای اجتماع-محور جاست کامیونیتی و مرکز خدمات مشاوره اجتماع-محور Navigate Your Way Trust هم بهره بردیم که به ما کمک کردند با بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه در گروه‌های کوچک و بزرگتر دیدار داشته باشیم. حمایت این نهادها فرصتی برای ما فراهم آورد تا حرف‌های عده‌ای را بشنویم که در غیر این صورت ممکن بود به آن‌ها دسترسی نداشته باشیم. از حمایت و همکاری‌شان سپاسگزاریم.

19 ملاقات‌مان با افراد بر مبنای شروطی بود که خودشان تعیین می‌کردند، در زمانی که برایشان مناسب بود و تا حد امکان، در مکانی که برای آن‌ها راحت‌تر بود. عده‌ای ما را به خانه‌هایشان دعوت کردند، عده‌ای دیگر با ملاقات در مرکز اجتماعی، کافه محلی، هتل یا اتاق‌های جلسات کتابخانه راحت‌تر بودند. تمام جلسات به صورت خصوصی برگزار شد و دقت کردیم که احترام ویژه‌ای به فرهنگ و اعمال مذهبی‌شان بگذاریم و متوجه آسیب روانی که به افراد زیادی وارد شده بود باشیم.

20 بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه که با ما ملاقات کردند از بیش از 22 کشور مختلف بودند و به بیش از

50 زبان متفاوت صحبت می‌کردند. زمانی که با آن‌ها تماس گرفتیم باید تمام این موارد را مدنظر قرار می‌دادیم.

21

بعضی از بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه، آماده و مشتاق بودند که بلافاصله دیدار داشته باشیم. بعضی دیگر نیاز به زمان بیشتری داشتند. می‌خواستیم به بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه که عزادار بودند احترام بگذاریم. همچنین می‌خواستیم مناسبت‌ها و اعمال مسلمانان را هم در نظر داشته باشیم، از جمله: دوره عزاداری، رمضان، عید فطر، ماه ذی‌الحجه، عید قربان، موسم حج و محرم.

22

همزمان با طی کردن این فرآیند در حال یادگیری بودیم و گاهی شناخت درستی از مسائل نداشتیم. قدردان بودیم که گاهی در صورت اشتباه بازخورد دریافت می‌کریم؛ مثلاً زمانی که از استفاده از مترجم شفاهی به برقراری بهتر ارتباط کمک می‌کرد و یا چیدمان اتاق به نحوی بود که عدم تعادل قدرت را تداعی می‌کرد. چنین بازخوردهایی به ما کمک کرد تا رویکرد خود را بهبود ببخشیم و اطمینان حاصل کنیم که مردم راحت‌تر با ما ارتباط برقرار کنند و حس کنند در فضای امنی هستند که صدایشان شنیده می‌شود. امیدواریم که نیت‌مان از برقراری ارتباط به نحوی شایسته و امن واضح بوده باشد، حتی اگر گاهی موفق نشده باشیم آن را درست انجام دهیم.

23

در ملاقات با افرادی که عمیقاً تحت تأثیر حمله تروریستی 15 مارس 2019 قرار گرفته بودند چند دستاورد مدنظر ما بود. قصد داشتیم افراد فرصت داشته باشند تا شواهد و داستان‌شان را با کلمات خودشان به اشتراک بگذارند. می‌خواستیم دیدگاه‌شان را درباره اتفاقاتی که پیش از حمله تروریستی رخ داد بشنویم و/یا نظری که درباره تحقیق ما داشتند و اینکه چطور نهادهای بخش دولتی می‌توانند از وقوع مجدد چنین اتفاقی جلوگیری کنند.

24

رویکرد کلی ما این بود: آمده‌ایم تا بشنویم. بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه جلسه را هدایت می‌کردند. افراد داستان‌هایی درباره عزیزی که از دست داده بودند یا تجربه شخصی خودشان از حمله تروریستی را با ما در میان گذاشتند. درباره کمپسیون سلطنتی سؤال کردند، اینکه چیست، چطور کار می‌کند و چقدر برای ایجاد تغییر، اختیار دارد. بعضی از افرادی که ملاقات‌شان کردیم مراقب بودند از پلیس نیوزیلند، دولت یا نهادهای بخش دولتی انتقاد نکنند؛ بخشی به دلیل تجربیاتی که در دیگر کشورها با مقامات مسئول داشتند و بخشی هم نگرانی بابت اینکه هر انتقادی می‌تواند پیامدهای منفی برایشان داشته باشد. عده‌ای حس می‌کردند حمایتی که ضروری است از نهادهای بخش دولتی دریافت نمی‌کنند به همین دلیل برای درخواست کمک به ما رو آورده بودند؛ مثلاً برای پیدا کردن کار یا درخواست کمک برای آوردن اعضای whānau به نیوزیلند تا از حمایت برخوردار شوند. حمایت از افرادی که با چنین چالش‌هایی مواجه بودند خارج از اختیارات ما بود اما جایی که ممکن و مقتضی بود این افراد را به نهادهای بخش دولتی مرتبط یا سازمان‌هایی که می‌توانستند در این زمینه‌ها به آن‌ها کمک کنند معرفی کردیم.

25

بعضی از چیزهایی که در این جلسات شنیدیم در حیطه وظایف ما نبود. با این حال، حیطه وظایف ما اقتضا می‌کرد که باید به عموم مردم نیوزیلند دلگرمی دهیم. بنابراین به این نتیجه رسیدیم که باید گستردگی مسائلی که برای بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه که با ما ملاقات کردند مهم بود را ثبت کنیم. این سند شرح مختصر طیفی از تجربیات و معضلات است به همراه راه‌حل‌های احتمالی که بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه که با ما صحبت کردند پیشنهاد دادند.

26

جلسات ما با بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه به صورت خصوصی برگزار شد. به این معنا که گفتگوها میان افرادی که ملاقات‌شان کردیم و کمپسیون سلطنتی محرمانه بود. قدردانی‌هایی از صمیم قلب دریافت کردیم و تسکین و تشکر بابت حمایت‌مان از بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه. اما اندوه، آسیب روانی و پریشانی عمیق‌شان را هم حس کردیم. شرحی از این روایت‌ها و تجربیات را اینجا به اشتراک می‌گذاریم تا احترامی که شایسته آن‌هاست را تقدیم‌شان کنیم. اغلب بدون نقل‌قول از افراد خاص و به طور کلی این کار را کرده‌ایم. برای حفظ حریم خصوصی افراد تمام

نقل قول‌ها به صورت ناشناس بوده‌اند. هر جا که نقل‌قولی آمده از میان اطلاعاتی بوده است که گروه بزرگی از بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه در اختیار ما قرار دادند و نمایانگر طیفی از تجربیات و دیدگاه‌ها است. با این حال متوجه هستیم که این نقل قول‌ها ممکن است نمایانگر دیدگاه تمام بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه نباشد.

27 از بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه سپاسگزاریم که خصوصاً در دوران چنین مصیبتی، با گشاده‌رویی و اشتیاق با ما صحبت کردند. در این گفتگوها و اطلاعاتی که در اختیارمان قرار داده شد همیشه 51 شهید را در مرکز کارمان قرار دادیم و همین فرآیند کار را به شدت قوت بخشید و گزارش‌مان را غنا داد.

28 برای تهیه گزارش کمیسیون سلطنتی از حمله تروریستی به مسجد النور و مرکز اسلامی لین‌وود در تاریخ 15 مارس 2019 از این مطالب به همراه اطلاعاتی که از جلسات و مصاحبه‌های و تحقیقات به دست آورده بودیم استفاده کردیم.

سؤالاتی که از بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه پرسیدیم

29 برای بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه سؤالات از پیش طرح‌شده آماده نکرده بودیم، بلکه برای بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه فرصتی فراهم آوردیم تا داستان‌ها و شواهدشان را با کلمات خود و در زمان خودشان به اشتراک بگذارند. در صورت لزوم، سؤالاتی برای پیش بردن بحث پرسیدیم. سؤالات مناسب وضعیت هر فرد مطرح می‌شد و در رابطه با مسائل زیر بود:

- اثر حمله تروریستی بر خودشان، whānau و دوستان‌شان؛
- زندگی‌شان در نیوزیلند پیش از حمله تروریستی، از جمله:
 - i تجربه کلی‌شان از زندگی در نیوزیلند چگونه بوده است؛ و
 - ii اینکه آیا پیش از 15 مارس 2019 هیچ‌گاه احساس ناامنی کرده بودند و درخواست کمک یا ابراز نگرانی کرده بودند یا خیر؛
- دولت در گذشته چه کارهایی می‌توانست انجام دهد تا بیشتر احساس امنیت کنند و به دیگران کمک کند بیشتر پذیرای آن‌ها باشند؛ و
- دولت در آینده چه کارهایی می‌تواند انجام دهد (یا بهتر انجام دهد) تا نیوزیلند برای همه امن باشد و از حملات تروریستی آینده جلوگیری کند.



فصل 2: پیامد حمله تروریستی

پیامدهای مستقیم حمله تروریستی

- 1 بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه که یکی از عزیزان‌شان را از دست داده بودند برایمان تعریف کردند که این حمله تروریستی چطور بر زندگی‌شان تأثیر گذاشته است. بازماندگانی که در این حمله تروریستی آسیب جسمی دیده‌اند، از جمله آسیبهایی که هنگام تلاش برای فرار وارد شده است، درباره روند کند بهبودشان برایمان صحبت کردند. به بعضی‌ها صدمات جدی ذهنی و جسمی وارد شده که اثراتش مادام‌العمر خواهد بود.
- 2 داستان افرادی را شنیدیم که برای بهبود جسمی تحت چندین عمل جراحی قرار گرفته‌اند اما هنوز کاملاً درمان نشده‌اند. بعضی از بازمانده‌ها هرگز قادر نخواهند بود از تمام توانایی دست‌ها و پاهایشان بهره ببرند. افرادی با درد مدام و بی‌حسی ناشی از ترکش‌های گلوله که در بدن‌شان باقی مانده زندگی می‌کنند. بعضی از بازماندگان نیازمند مراقبت تمام‌وقت و سازهایی هدفمند درون منازل‌شان هستند تا بتوانند با وجود آسیب‌دیدگی‌ها به زندگی ادامه دهند.
- آن روز بالای پای راستم تیر خورد و ترکش‌هایش تا کبدم رفتند و آسیب بیشتری رساندند. هنوز هم در بدنم هستند. اخیراً دردهایی در شکم حس می‌کردم... جراح‌ها به من گفتند ترکش‌ها از جای اولیه خود حرکت کرده و سمت عضله رفته‌اند. گفتند اگر به سمت شکم رفته بودند در مورد بیرون آوردن/ترکش‌ها/ تصمیم می‌گرفتند اما در این مرحله اشکالی ندارد همان داخل/درون بدنم/ بمانند.
- 3 بسیاری از بازماندگان قادر نبودند بلافاصله به محل کار خود برگردند و بعضی باید به دلیل آسیب‌دیدگی‌ها شغل خود را عوض می‌کردند. با اینکه بیشتر بازماندگان گزارش دادند کارفرماهایشان از آن‌ها حمایت کرده و زمان کافی در اختیارشان گذاشتند تا بهبود یابند، بعضی از افراد شغل‌شان را از دست دادند چون نمی‌توانستند وظایف محوله را انجام دهند. بعضی از بازماندگان کسب‌وکار خود را از دست دادند.
- 4 از whānau متأثر از حادثه درباره ضربه‌هایی که چند ساعت و چند روز پس از حمله تروریستی متحمل شدند هم شنیدیم. چالش‌هایی که برای پیدا کردن عزیزان‌شان با آن مواجه بودند نیز به ما گفته شد.
- یکی از آشنایان والدینم گفت او/برادرم/ را در اتاق عمل دیده... مامان و بابا پس از اینکه چهار ساعت بیرون مسجد النور منتظر مانده بودند بعد از شنیدن این خبر با عجله به بیمارستان رفتند و شش ساعت دیگر هم در بیمارستان کرایست چرچ منتظر ماندند. پس از آن فهمیدند کسی که منتظرش بودند، بیمار شماره 13، اصلاً او/برادرم/ نبود. بالاخره به آن‌ها گفتند/برادرم/ گم شده است.
- 5 بسیاری از بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه که با آن‌ها دیدار کردیم حس می‌کردند که هم فرآیند شناسایی قربانیان و هم فرآیند شناسایی افرادی که در بیمارستان تحت درمان بودند برایشان اندوه بیشتر و غیرضروری به همراه داشت. بعضی گفتند که در 24 ساعت اول پس از حمله تروریستی اطلاعات ضد و نقیضی از پلیس نیوزیلند و کارمندان بیمارستان دریافت کردند. در یک مورد پلیس نیوزیلند و کارمندان بیمارستان به یکی از اعضای whānau که شاهد کشته شدن عزیزش بود گفته بودند امید خود را از دست ندهد، شاید عزیزش در بیمارستانی دیگر تحت درمان باشد. این امید کاذب موجب اندوه بیشتری شده بود.
- 6 کسانی که ملاقاتشان کردیم از مدت زمانی که طول کشیده بود تا عزیزان کشته شده‌شان از صحنه حادثه منتقل و رسماً به عنوان متوفی شناسایی شوند ناراضی بودند. در یک مورد، یکی از اعضای نزدیک whānau به ما گفت خبر فوت عزیزشان را در مقاله‌ای در روزنامه خوانده‌اند، بدون اینکه پلیس نیوزیلند از قبل به آن‌ها اطلاع داده باشد.
- 7 بعضی از whānau متأثر از واقعه هم ناراضی بودند از اینکه به آن‌ها اجازه داده نشده سر صحنه حادثه از حلقه حفاظتی پلیس نیوزیلند عبور کنند و خودشان دنبال عزیزان‌شان بگردند. به ما گفته شد بعضی‌ها ویدیوی پخش زنده حمله فرد را

تماشا کرده‌اند تا ببینند عزیزشان کشته شده یا ممکن است بتوانند در بیمارستان پیدایش کنند یا خیر.

در میان فقدان اطلاعات، ارتباط و دسترسی به مسجد و عزیزان‌شان و ممانعت پلیس از ورود نیروهای درمانی به محل حادثه برای چند ساعت، قربانیان با استیصال این حادثه را به صورت نمایشی از سهل‌انگاری و بی‌توجهی بی‌رحمانه به یاد می‌آوردند.

8 مردم از مدت زمانی که طول کشیده تا افراد بستری در بیمارستان شناسایی شوند هم ناراضی بودند. برایشان سؤال شده بود که شاید بی‌تجربگی و عدم شناخت اصول نام‌گذاری مسلمانان و تنوع تلفظ نام‌های مسلمانان موجب این تأخیرها شده باشد. این مسئله منجر به سردرگمی اعضای whānau شده بود که سعی داشتند عزیزان‌شان را پیدا کنند و بفهمند چه اتفاقی برایشان رخ داده است.

9 با هرکسی که ملاقات کردیم، چه whānau متأثر از حادثه چه بازماندگان و شاهدان حمله تروریستی، نوعی از مشکلات روحی و روانی همچون خشم، ترس، استرس، افسردگی، اضطراب، پارانوئیا و/یا حس گناه بازماندگان را تجربه کرده بود. بسیاری از افراد خدمات مشاوره یا روانشناسی دریافت کرده بودند یا همچنان دریافت می‌کردند و تمایل داشتند که ادامه داشته باشد. بعضی گفتند که همسران و فرزندان‌شان هم دچار مشکلات روحی و روانی شده‌اند.

10 بسیاری از بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه که با آن‌ها صحبت کردیم به دلایلی مثل ترس از خواب‌هایی که ممکن است ببینند یا آسیب‌پذیری‌شان هنگام خواب، دچار اختلالات خواب شده‌اند. تجربه دیدن آدم‌ها در آخرین لحظات زندگی‌شان از ذهن‌شان بیرون نمی‌رفت. نمونه‌های بسیاری از کابوس‌ها و تصورات دلخراشی را شنیدیم که بازماندگان مدام تجربه می‌کردند و به ما گفتند:

...بہتر است بیدار بمانند و با دیگران صحبت کنند، به جای اینکه بخوابند و کابوس ببینند.

11 از والدین فرزندان که از حمله تروریستی جان سالم به دربرده بودند، اغلب هم به این دلیل که توانسته بودند از مساجد فرار کنند، شنیدیم که از آن زمان به بعد دیگر مثل قبل نبوده‌اند. بعضی از این کودکان تغییرات رفتاری از خود بروز داده‌اند و دیگر در کلاس‌های مدرسه شرکت نمی‌کنند یا نسبت به صداهای بلند دچار ضربه روانی شده‌اند. یکی از والدین به ما گفت حس می‌کنند فرزند خود را از دست داده‌اند با اینکه فرزندشان از حمله تروریستی جان سالم به در برده است.

12 بعضی نسبت به اثرات بلندمدت این حادثه روی فرزندان‌شان ابراز نگرانی کردند و اظهار داشتند که ممکن است فرزندان‌شان خشمی بابت رخ دادن این اتفاق در خود داشته باشند. به ما گفته شد مهم است با کودکان مسلمان در کرایست چرچ تعامل داشته باشیم و حمایت عملی برای بهبود بلندمدت‌شان از این حمله تروریستی ارائه دهیم.

13 به ما گفته شد بعضی از شاهدان حمله تروریستی که دچار آسیب جسمی نشده‌اند تا زمانی که فرد سومی به طرفداری از آن‌ها قدم پیش نگذاشت، حمایتی دریافت نکردند. به دیگری که سعی کردند حمایت دریافت کنند گفته شد واجد شرایط نیستند و/یا از نظر نهادهای بخش دولتی یا سازمان‌های غیردولتی قربانی حمله تروریستی محسوب نمی‌شوند. از چند نفر شنیدیم که در تعیین افراد واجد شرایط برای دریافت انواع مختلف حمایت اختلاف وجود دارد؛ مسئله‌ای که در ادامه بیشتر به آن خواهیم پرداخت.

پیامدهای ثانویه

14 بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه درباره طیفی از پیامدهای ثانویه که تأثیر عمده‌ای بر زندگی‌شان گذاشته با ما صحبت کردند. روابط برخی (با همسران‌شان، whānau و دوستان‌شان) تحت تأثیر قرار گرفته است. این ناشی از مشکلاتی مانند تفاوت دیدگاه‌ها در whānau راجع به تقسیم کمک مالی دولت در میان اعضا یا بر عهده گرفتن هزینه حمایت از عزیزان می‌شد. معمول است که whānau عزیزی که از حمله تروریستی جان به در برده‌اند برای حمایت از آن‌ها از خارج از کشور بیایند. این امر می‌تواند عواقب مخربی داشته باشد، ما موارد زیر را شنیده‌ایم:

... ممکن است برای عده‌ای از اعضای خانواده که خارج از کشور مشاغل موفق و زندگی باثبات و شکوفایی دارند آسیب‌رسان باشد. در [نیوزیلند] توانمندی‌ها و تجربیات کاری‌شان احتمالاً به رسمیت شناخته نخواهد شد و در بلندمدت فشار روحی و اضطرابی مضاعف بر خانواده‌ای که همین حالا هم آسیب‌پذیر هستند وارد خواهد کرد.

15 در بسیاری از whānau که ما به دیدارشان رفتیم، شوهر کشته شده یا به شدت آسیب دیده است. برای بعضی از زنان این whānau، پیامدهایش فراتر از تأثیر عاطفی دردناک حمله تروریستی بود. برای بسیاری، این به معنای از دست دادن منبع اصلی درآمد whānau بود. بعضی زنان نقش‌های جدیدی در whānau پذیرفته‌اند و در حال یادگیری مهارت‌های جدیدی همچون رانندگی یا سواد مالی هستند. همزمان، این زنان بیشتر بار مسئولیت فرزندان را به دوش می‌کشند و با غم شخصی و نیاز به بهبود خود نیز دست‌وپنجه نرم می‌کنند. همین موضوع باعث می‌شود زمان و توانایی محدودی برای دریافت حمایت یا یافتن شغلی درآمدزا یا تحصیل داشته باشند.

16 کمی پس از 15 مارس 2019، چند نفر با مرگ‌ها و بیماری‌های دیگری در میان اعضای whānau خود مواجه شدند که آن را ناشی از حمله تروریستی می‌دانستند. شنیدیم در یک whānau در ماه‌های پس از 15 مارس 2019 دو سکنه قلبی اتفاق افتاد که یکی منجر به مرگ شد. در هر دو مورد، whānau سکنه را به استرس ناشی از عواقب حمله تروریستی نسبت دادند. یکی دیگر از بازماندگان، شوهر خود را در تصادف رانندگی چند روز پس از 15 مارس 2019 از دست داد. او از لطمات روحی شوهرش به دلیل از دست دادن دوستان خود در حمله تروریستی صحبت کرد که منجر به بی‌خوابی او شده بود. گمان می‌رود خستگی مفرط ناشی از آن منجر به تصادف شده باشد.

حمایت جوامع گسترده‌تر نیوزیلند

17 بعضی از افراد گزارش دادند که حمایت غیرمسلمانان نیوزیلند به آن‌ها دلگرمی داده است. بسیاری از حسن‌نیتی حرف زدند که پس از حمله تروریستی از طرف مردم در سرتاسر کشور دیده و/یا دریافت کرده بودند. حس می‌شد این اتفاق فرصتی فراهم آورده است تا یکپارچگی اجتماعی، اتحاد و همبستگی بین جوامع بهبود پیدا کند.

18 شنیدیم که قدردانان حمایت همسایه‌ها و دوستان بودند، یک whānau گفت پس از حمله تروریستی به خروج از کشور فکر می‌کردند اما این امر انگیزه‌ای که برای ماندن نیاز داشتند را در اختیارشان گذاشت. امید می‌رفت که حمایت نیوزیلندی‌ها ادامه پیدا کند و با گذر زمان فراموش نشود.

دریافت حمایت مناسب از طرف نهادهای بخش دولتی، چالش برانگیز است

19 در کنار روایت‌هایی از سپاسگزاری بابت همدردی و حمایت نیوزیلندی‌ها، بسیاری از بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه از تجربه سروکار داشتن با نهادهای بخش دولتی برای دریافت حمایت ناراضی بودند. مضامین معمول شامل این موارد می‌شد: عدم درک فرهنگی، عدم تلاش برای ارتقاء اقدامات و سیاست‌ها و ظرفیت‌های فرهنگی که به اندازه کافی برای حمایت از نیاز مردم به بهبود پیدا کردن از این رخداد خاص و غیرعادی، کارگشا نبودند.

عدم درک فرهنگی

20 بسیاری از افرادی که پای حرف‌هایشان نشستیم متوجه عدم درک فرهنگی عمومی در کارمندان نهادهای بخش دولتی دربارهٔ باورها و رسوم مسلمانان شدند.

به خانواده‌های قربانیان خدمات معاملاتی، کوتاه‌مدت و نسبتاً کوتاه‌نگرانه پیشنهاد شده بود. هیچ تلاش سنجیده‌ای برای درک کارکرد جامعهٔ قربانیان و یا شناخت پیچیدگی‌ها و تجربیات عاطفی و خاطرات نهفته در داستان‌هایشان صورت نگرفته بود.

21 به ما گفته شد به این شکاف‌ها رسیدگی نشده و اگر تلاشی هم در راستای توجه به آن‌ها توسط نهادهای بخش دولتی صورت گرفته باشد بسیار اندک بوده است.

نهادهای به جای اینکه در مقابل این چالش قدم به پیش بگذارند تا خدمات خود را بهبود ببخشند و اقداماتی در راستای بهبود توانش دینی و فرهنگی خود انجام دهند، یا هیچ آموزشی دریافت نمی‌کنند یا در حرکتی نمادین برای تظاهر به مسئولیت‌پذیری، به افرادی در جامعه مسلمانان تکیه کرده‌اند که هیچ تخصصی در زمینهٔ آموزش توانش‌های مذهبی و قومیتی برای هدایت آن‌ها ندارند.

22 شنیدیم که خدمات و حمایتی که نهادهای بخش دولتی و سازمان‌های غیردولتی عرضه کرده‌اند اغلب به نحو مناسبی ماهیت متنوع جامعهٔ مسلمانان را در نظر نگرفته و در نتیجه نیازهای متفاوت‌شان را در نظر نمی‌گیرد. افرادی که در مسجدالنور و مرکز اسلامی لین‌وود بوده‌اند از بیش از 50 کشور دنیا آمده‌اند. موانع فرهنگی و زبانی وجود دارند که به ما گفته شد این موانع، محیط پیچیدهٔ ارتباط با نهادهای بخش دولتی را پیچیده‌تر کرده‌اند. شنیدیم که:

... یک سال از حمله‌ها گذشته اما خانواده‌ها هنوز منتظر خدماتی‌اند که متناسب با زبان و فرهنگ‌شان و پاسخگوی تمام نیازهای پیچیده‌شان باشد.

23 تعدادی از whānau حس کردند تلاش صادقانه‌ای برای درک نیازهایشان صورت نگرفته است؛ نیازهای فرهنگی، سلامت جسمی، روانی و موارد دیگر. در نتیجه، حس می‌کردند نحوه‌ای که نهادهای بخش دولتی حمایت‌های بهبود را فراهم کرد همیشه بهترین اقدام ممکن نبوده و این‌طور حس کرده‌اند که بخش دولتی نسبت به آن‌ها تبعیض قائل شده است.

24 جلساتی که نهادهای بخش دولتی برگزار کرده‌اند گاهی مترجم شفاهی نداشته یا امکان صحبت به زبان‌های مرتبط فراهم نشده است. همچنین به ما گفته شد پلیس نیوزیلند هم در مصاحبه با بعضی از بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه در طول تحقیقات پیرامون حملهٔ تروریستی به همین نحو عمل کرده است. بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه برای ترجمهٔ سؤالات پلیس ناچار بودند به دیگر اعضای whānau تکیه کنند. به ما گفته شد که این امر آسیب روانی بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه و اعضای whānau که برایشان ترجمه می‌کردند را تشدید کرده است.

25 همچنین گفتند فقدان ترجمهٔ مناسب، چالشی که عده‌ای برای درک گزینه‌های حمایتی موجود و نحوهٔ دریافتش با آن مواجه بودند را افزایش داده است. در بعضی موارد به این معنا بود که افراد به اعضای whānau وابسته بودند که برایشان ترجمه

کنند نهادهای بخش دولتی چه می‌گویند و مواردی مثال زده شد که بعضی از افراد حس کردند اعضای whānau بی‌طرف نبوده‌اند و یا تمام اطلاعات مرتبط را در اختیارشان قرار نداده‌اند.

26 علاوه بر این‌ها بسیاری از بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه به ما گفتند که برای دریافت ویزای ورود یا تمدید ویزای اعضای whānau که به نیوزیلند آمده بودند تا کمک‌شان کنند زندگی‌شان را دوباره در دست بگیرند با چالش‌هایی مواجه شده‌اند. برای مثال، زنانی که شوهران خود را از دست داده بودند و باقی اعضای whānau خارج از کشور زندگی می‌کردند متوجه شدند به اعضای whānau تنها ویزاهای کوتاه‌مدت می‌دادند تا برای حمایت از آن‌ها به نیوزیلند بیایند. این مسئله با نیاز به حمایت بلندمدت whānau در جهت بهبود افراد مغایرت داشت.

27 افراد در مورد الزامات ویزای اختیاری که دولت برای حمایت از افراد فراهم کرده بود نگران بودند؛ طبق این الزامات، فرد باید در 15 مارس 2019 در نیوزیلند بوده باشد تا واجد شرایط این ویزا محسوب شود. بعضی ابراز نارضایتی کردند که شرایط خاص این موقعیت استثنایی در نظر گرفته نشده است.

عملی نبودن سیاست‌ها و اقدامات برای حمایت از نیازهای بهبود

28 حرف‌های زیادی درباره نحوه تعامل نهادهای بخش دولتی با بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه شنیدیم. در عین حال که افراد به طور کل از حمایت‌های سخاوتمندانه نهادهای بخش دولتی و عموم مردم که بلافاصله پس از حمله تروریستی دریافت کردند حرف می‌زدند، از این هم گفتند که نهادهای بخش دولتی ناهماهنگ و غیرمنعطف بوده‌اند.

29 از صحبت‌های بعضی از بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه متوجه شدیم این تجربیات در حین بهبود باعث آسیب روانی مجدد و اضطراب مضاعف‌شان شده بود. به ما گفته شد که:

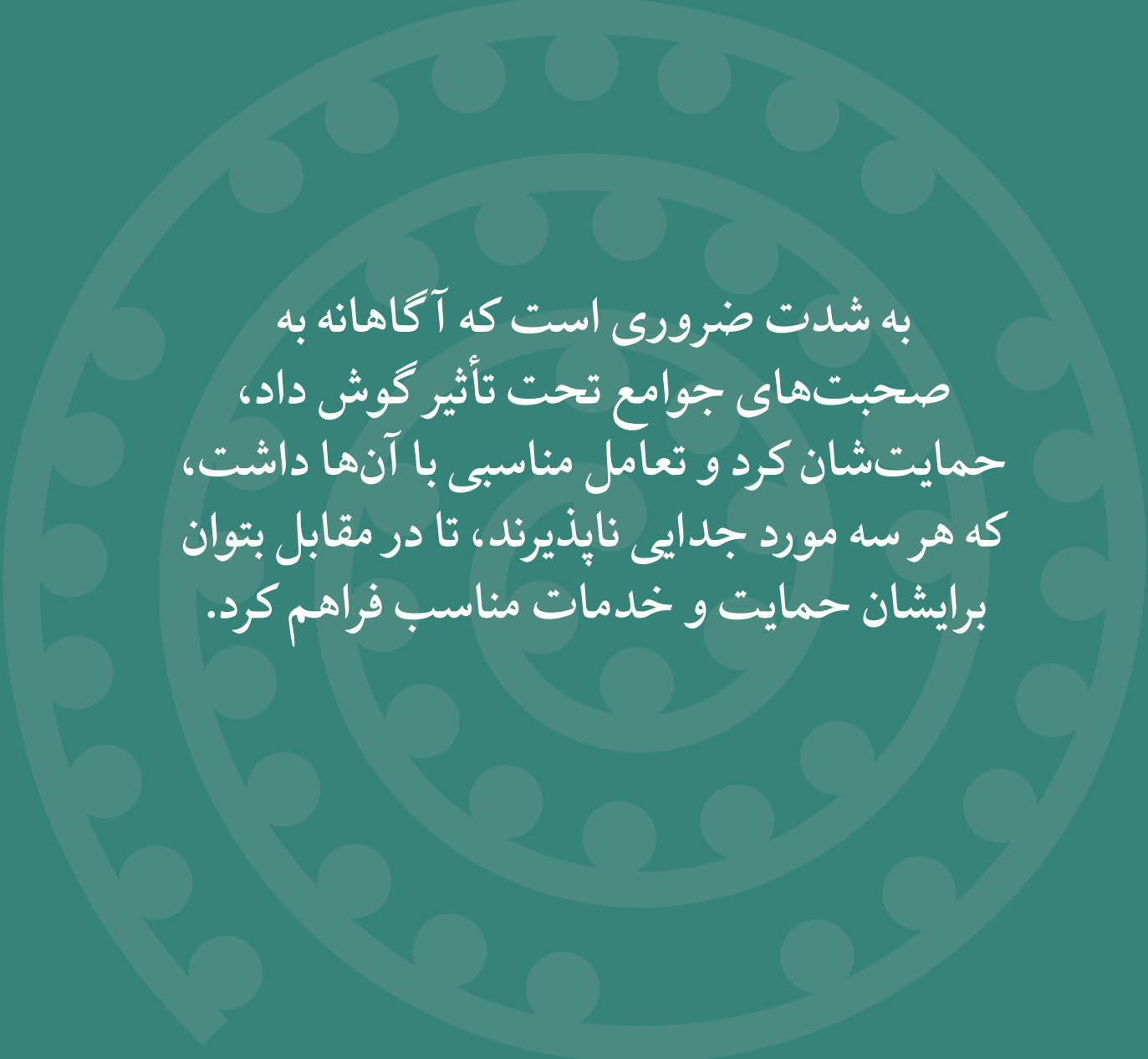
... اگر آسیب روانی به معنای ناتوانی در صحبت کردن، به زبان آوردن، کنار آمدن و یا درک کردن فقدان باشد، در نتیجه تجربیات پس از حادثه با نهادهای دولتی در ماه‌های پس از حمله‌ها برای بسیاری از افراد فرآیندی هماهنگ در راستای وارد آوردن آسیب روانی مجدد بوده است، چون آن‌ها ناتوانی بازماندگان در بهبود یافتن را تداوم بخشیده‌اند.

30 شنیدیم روشی که نهادهای بخش دولتی برای برخورد با بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه حمله تروریستی پیش گرفته بودند موجب شده مردم حس کنند قدرتی ندارند و به مشکلاتی که با آن مواجه بودند افزوده است.

در حال حاضر، تعداد زیادی از قربانیان حس می‌کنند برای ادامه زندگی روزمره خود، چه از لحاظ مالی و چه عاطفی عاجز و رنجور هستند. این مسئله به دلیل شیوه‌ای است که خدمات ارائه می‌شوند و از آن‌ها سلب قدرت می‌کنند و همچنین راه حل طولانی‌مدتی برای بازسازی یا بازیابی وجود ندارد؛ جامعه نه پشتوانه مادی برای بازسازی خود دارد و نه حمایتی که به احساسات فرد حمله‌کننده اشاره کند و درباره ایمان و جامعه آن‌ها به دیگران اطلاعات و آگاهی دهد.

31 با ما گفته شد که هدف از گزارش‌های تأثیر جرم بر قربانی برای بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه به خوبی توضیح داده نشده است. بسیاری به ما گفتند نیاز به حمایت زبانی داشتند اما کارمندان دادگاه‌های وزارت دادگستری برای کمک به آن‌ها در فرآیند پیش از اعلام حکم برایشان مترجم شفاهی نیآورده‌اند. همین امر موجب شد بعضی از بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه در این فرآیند شرکت نداشته باشند. یکی از افرادی که با او صحبت کردیم گفت فرآیند در ابتدا به این سمت هدایت شد که بر آثار منفی حمله تروریستی بر آن‌ها تمرکز کند که این برایشان توانمندساز نبود. اما گزارشی که در نهایت در دادگاه ارائه دادند گزارشی توانمندکننده بود و البته مبتنی بر استانداردهای ارائه‌شده به آن‌ها نبود.

32 بعضی از بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه به دلیل تفاوت میان گزارش‌های تأثیر جرم بر قربانی و گزارش‌های



به شدت ضروری است که آگاهانه به
صحبت‌های جوامع تحت تأثیر گوش داد،
حمایت‌شان کرد و تعامل مناسبی با آنها داشت،
که هر سه مورد جدایی ناپذیرند، تا در مقابل بتوان
برایشان حمایت و خدمات مناسب فراهم کرد.

اولیه که در طول تحقیقات پیرامون حمله تروریستی در اختیار پلیس نیوزیلند گذاشته بودند سردرگم شده بودند.

عدم هماهنگی میان نهادهای بخش دولتی

33 چندین نهاد بخش دولتی در حمایت از بهبود کسانی که از حمله تروریستی جان سالم به در بردند یا عزیزانشان را از دست دادند شرکت دارند. بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه که با این نهادها ارتباط داشتند، به‌ویژه با «شرکت جبران خسارات سوانح»، «وزارت توسعه اجتماعی»، و «مرکز حمایت قربانیان» با ما از هم‌پوشانی حمایت و خدمات این شرکت‌ها و همچنین شکاف‌ها و عدم هماهنگی میان نهادها صحبت کردند.

نبود توجه در اثر عدم هماهنگی وخامت می‌یابد. مشکل تنها یک یا دو جلسه یا یک یا دو نهاد نیست، بلکه همه‌شان و همزمان است.

34 این مسئله به اضطراب بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه اضافه کرد، چرا که اغلب مجبور بودند سرگذشت سختشان را چندین بار بازگو کنند و برخی از آنان با گذشت بیش از 18 ماه از حمله تروریستی همچنان باید این کار را انجام دهند.

35 علت تشدید دشواری‌های ارتباط با چندین نهاد بخش دولتی آن بود که نهادهای مربوطه اطلاعات را میان خود به اشتراک نمی‌گذاشتند و این‌گونه حس می‌شد که برای یافتن راهکارهای کاربردی به منظور رسیدگی به نیازهای فوق‌العاده موجود اکراه دارند.

نهادهای جدا از هم فعالیت می‌کنند و حاضر نیستند اطلاعات را با یکدیگر به اشتراک بگذارند و قربانیان را مجبور می‌کنند با چند شخص متفاوت در یک نهاد سروکار داشته باشند. مشخص شد که نهادهای دولتی از قانون حفظ حریم خصوصی 1993 استفاده می‌کنند تا اطلاعات را با یکدیگر به اشتراک نگذارند.

36 برخی پیشنهاد داده‌اند که بهتر بود بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه تنها با یک نهاد بخش دولتی سروکار داشته باشند.

37 شنیده‌ایم که این چالش‌ها اغلب برای بازماندگان، شاهدان و whānauیی که سابقاً پناهنده و مهاجر بوده‌اند بزرگ‌تر بوده است.

این اجتماعات کمتر قادرند هزارتوی فعلی نهادهای بخش [دولتی] را جهت‌یابی کنند یا موانع سازمانی در تعامل افراد با دولت را درک کنند؛ از جمله کثرت سیاست‌هایی که نهادها برای حقوق مختلف قربانیان به آن ارجاع داده‌اند.

38 در کنار عدم درک فرهنگی‌ای که در بالا به آن اشاره شد، برخی احساس کرده‌اند که حمایت ارائه‌شده برای نیازهای این بازماندگان، شاهدان و whānau پناهنده و مهاجر سابق مناسب نبوده است.

39 دغدغه‌ای که اغلب ابراز شد آن بود که نهادهای بخش دولتی و سازمان‌های غیردولتی تعریف یا معیارهای واجدیت شرایط مشترکی برای کسانی که قربانی محسوب می‌شوند ندارند و سازوکارهای فرهنگی را در نظر نمی‌گیرند. برای مثال، اگرچه تعریف قانون حقوق قربانیان 2002 از خانواده درجه یک شامل «گروه خانوادگی شناخته‌شده در فرهنگ» می‌شود،¹ معیارهای صلاحیت حمایت اغلب شامل تفسیری محدودتر از خانواده می‌شد.

نهادهای مفهوم غربی خانواده هسته‌ای را پذیرفته‌اند و اکثرشان گروه‌بندی‌های فرهنگی و شناخته‌شده خانواده را نمی‌پذیرند.

40 به ما گفته شد که تفسیر نهادهای بخش دولتی از مفهوم خانواده چه تأثیری بر توانایی افراد برای دسترسی به خدمات

حمایتی دولتی دارد؛ به‌ویژه از نظر سردرگمی و عدم ثبات در خدمات حمایتی ارائه‌شده. تمام این‌ها مسائل پزشکی، روان‌شناختی و استخدامی برای برخی whānau به بار آورد که خود پیش از حمله تروریستی موقعیتی آسیب‌پذیر داشتند.

41 همچنین از اعمال متناقض معیارهای تعریف قربانیان شنیدیم. به طور ویژه به ما گفته شد که سطح حمایت ارائه‌شده گاهی بسته به هر کارمند بخش دولتی ارائه‌دهنده آن تغییر می‌کند و برخی افراد اگرچه ناتوانی‌های مشابهی دارند خدمات متفاوتی دریافت کرده‌اند. این باعث شده تا این باور برای برخی به وجود بیاید که نهادهای بخش دولتی و سازمان‌های غیردولتی سلسله‌مراتب قربانیان یا فهرست اولویت قربانیان ایجاد می‌کنند که در برخی موارد موجب نارضایتی می‌شود و به روابط لطمه می‌زند.

42 برخی بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه می‌گویند میان آنچه وزیران به طور عمومی وعده داده‌اند و واقعیت نحوه برخورد کارمندان نهاد بخش دولتی در هر موقعیت خاص ناهمگونی وجود دارد. شنیدیم که نهادهای بخش دولتی وعده کمک داده بودند و سپس آن را عملی نکردند و اغلب توضیح کافی برای علت آن ارائه ندادند. گاه درخواست‌های کمک رد می‌شدند و بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه فرصتی پیدا نمی‌کردند که اطلاعات بیشتری ارائه دهند یا توضیح دریافت کنند که چرا تصمیم به رد درخواست‌شان گرفته شده است.

عدم انعطاف‌پذیری رویکرد

43 گرچه افراد بسیاری از حمایتی که دریافت کرده بودند اظهار سپاسگزاری کردند، شنیده‌ایم که در برخی موارد حمایت دولتی موجود برای افراد متأثر از حمله تروریستی کافی نیست یا کسانی که برای آن صلاحیت دارند همیشه از حق خود مطلع نیستند. یکی از دغدغه‌هایشان این بود که رویکرد «پیچیدن یک نسخه برای همه» که بخش دولتی برای روند بهبود در پیش گرفت کافی نبود.

اگرچه نیت این نهادها خیر است، اما قربانی‌ها چالش‌های مختلفی را گزارش می‌دهند: مالی، پزشکی، جسمانی، عاطفی و معنوی. ... پیام تکرارشونده در گزارش قربانی‌ها آن است که دولت برای درک و رسیدگی به نیازهایشان به‌خوبی سازمان‌دهی نشده است.

- 44 شنیدیم که بیشتر حمایت ارائه شده توسط نهادهای بخش دولتی بر کمک‌های کوتاه‌مدت تمرکز دارد و این به شیوه‌ای که از نظر فرهنگی مناسب باشد نیازهای مداوم و بلندمدت جوامعی که عمیقاً توسط حمله تروریستی تأثیر پذیرفته‌اند را در نظر نمی‌گیرد. برای مثال، شنیدیم که بهبود باید شامل طرح‌های ابتکاری بلندمدت اجتماع‌ساز باشد که این اجتماعات را قادر می‌سازد خودکفا باشند و به دولت تکیه نکنند. این راه‌حل می‌تواند شامل طرح‌های ابتکاری مانند وام‌های بدون بهره باشد (که محدودیت‌های دینی در خصوص دریافت بهره را در نظر می‌گیرند) تا از کسب‌وکارهایشان حمایت شود و لازم نباشد آن کسب‌وکارها به کمک مالی کوتاه‌مدت از سوی نهادهای بخش دولتی تکیه کنند.
- 45 چند نفر احساس می‌کردند که «شرکت جبران خسارات سوانح» در نظام‌های خود برای رویدادی این چنینی از انعطاف‌پذیری لازم برخوردار نیست و مشکلات ناشی از جراحات سلاح‌های گرم مانند تکه‌های گلوله باقیمانده و آسیب عصبی را مدنظر قرار نمی‌دهد. برای مثال، یکی از بازماندگان از عدم هماهنگی میان انتظارات «شرکت جبران خسارات سوانح» و توصیه پزشکی‌ای که در خصوص بهبود دریافت کرده بود احساس استیصال می‌کرد. او توصیه پزشکی دریافت کرده بود که به سرکار بازنگردد و از سوی «شرکت جبران خسارات سوانح» احساس فشار می‌کرد که چنین کند.
- 46 نظراتی مشابه در خصوص نهادهای دیگر بخش دولتی ابراز شدند. برای مثال، برخی از زنانی که شوهرانشان تنها نان‌آور بودند گفتند از سوی وزارت توسعه اجتماعی احساس فشار کردند تا برای پیا کردن کار، کودکان سن پیش‌دبستانی خود را به مهدکودک بسپارند.
- 47 شنیدیم که لازم است مسائل مهاجرتی با توجه به پیچیدگی‌های شرایط هر whānau به صورت موردی در نظر گرفته شود. این مسئله به خصوص برای اعضای اجتماع سوماتی وجود داشت که عزیزانشان را از دست داده بودند یا از حمله تروریستی جان سالم به در برده بودند. شنیدیم که با وجود اقدامات مهاجرتی‌ای که اعمال شدند تا از کسانی که بیش از همه توسط حمله تروریستی تأثیر پذیرفته بودند مورد حمایت قرار گیرند، whānau سوماتیایی با چالش‌های به خصوص مواجه بودند، که دلایل را آن می‌دانند که نیوزیلند گذرنامه سوماتی را مدرک سفر معتبری به حساب نمی‌آورد (اگرچه این مدرک برای اهداف پناهندگی از سوی نهادهای بخش دولتی پذیرفته می‌شود). این مسئله باعث شد برایشان سخت باشد که از سوماتی حمایت whānau دریافت کنند و در برخی موارد whānau همچنان منتظرند پیشرفتی حاصل شود.
- 48 برخی پیشنهاد داده‌اند که می‌شود اداره مهاجرت نیوزیلند ویزای عبور و مرور ویژه‌ای برای whānau ایجاد کند تا برای اهداف حمایتی میان‌مدت یا بلندمدت به درون و بیرون نیوزیلند سفر کنند تا فشار کارهای اداری افراد عزادار کاهش یابد.
- 49 همچنین به ما از نقص‌های حمایت موجود برای بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه در خصوص نظام عدالت کیفری گفته شد. این نقص‌ها این‌گونه توصیف می‌شدند:
- ... آسیب روانی عمیق و گسترده به خاطر محرومیت از شرکت در رویه کیفری و عدم توانایی اظهارنظر یا داشتن حس مشارکت معنادار در این روند.
- 50 از احساس سرخوردگی و فقدان امید و اعتماد شنیدیم که عمدتاً به علت عدم به رسمیت شناختن قربانیان در روند عدالت کیفری بود و قربانیان احساس می‌کردند حرف‌شان شنیده نمی‌شود. مسائل و دغدغه‌هایی که بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه در این مورد خاص داشته‌اند از نظر برخی نشانگر مسائلی است که قربانیان به طور گسترده در نظام عدالت کیفری نیوزیلند با آن مواجه می‌شوند. شکایت‌هایی درخصوص عدم هماهنگی میان اصول حقوق قربانیان که در قانون قربانیان آمده² و تجربیات قربانیان در نظام عدالت کیفری از جمله تجربه آسیب روانی مجدد.
- 51 برخی از بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه به ما گفتند یک بار که در دادگاه حضور داشتند احساس ترس کردند، چون شخصی بیرون دادگاه‌ها ایستاده بود و همانطور که whānau و بازماندگان وارد دادگاه می‌شدند نظرات

برترپنداری سفیدپوستی ابراز می‌کرد.

52 برخی افراد به ما گفتند وقتی نیازهای بهبود در نظر گرفته می‌شوند، نهادهای بخش دولتی نیازهای بهبود کسانی که شاهد حمله تروریستی بودند اما به هیچ صورت آسیب جسمانی ندیدند را در نظر نمی‌گیرند. شنیده‌ایم که بسیاری از شاهدان از اختلال اضطراب پس از سانحه رنج می‌برند و احساس می‌کنند حمایت کافی دریافت نمی‌کنند، چون در تعریف نهادهای بخش دولتی از قربانی قرار نمی‌گیرند.

عدم آگاهی کارمندان

53 برخی افراد احساس می‌کردند نهادهای بخش دولتی نسبت به کسانی که باید مورد حمایت قرار می‌دادند حساسیت و آگاهی نداشتند و در رفتار با افرادی که از آسیب روانی رنج می‌برند بی‌تجربه به نظر می‌رسیدند. به ما گفته شد که:

... لازم است نهادها و سازمان‌ها «آگاهی بیشتر نسبت به نیازهای عاطفی» قربانیان پیدا کنند.

54 این مسئله وقتی بر بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه معلوم شد که با نهادهای بخش دولتی ملاقات کردند و احساس کردند اگر آن‌ها یا whānau آن‌ها مشخصاً ناراحت و آزرده بودند کارمندان نهادها واکنشی نشان نمی‌دادند. گاهی بار اطلاعات زیادی به افراد ارائه می‌شد، درحالی‌که نمی‌توانستند به‌درستی آن را پردازش کنند:

... جایی که باید فعالانه گوش بسپارند، اطلاعات را مانند سیل جاری می‌کنند؛ جایی که باید اعلام حمایت کنند جلسات بی‌پایان برگزار می‌کنند.

55 این باعث شد برخی از خود بپرسند آیا کارمندان نهادهای بخش دولتی به‌درستی برای برخورد با افراد دچار آسیب روانی آموزش دیده‌اند یا حمایت می‌شوند یا خیر.



فصل 3: زندگی در نیوزیلند به عنوان مسلمان

- 1 اکثر بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه‌ای که ملاقات کردیم از خارج از کشور به نیوزیلند نقل مکان کرده بودند. طول مدت زمانی که اینجا زندگی کرده بودند از چند ماه تا چندین دهه متفاوت بود. این در مورد برخی به آن معنا بود که تجربه‌شان از نیوزیلند بر اساس مقایسه با جایی که از آن آمده بودند بنا شده بود. بسیاری از قربانیان از آسیب روانی بین‌نسلی رنج می‌برند که از آن به نیوزیلند فرار کرده‌اند و یا عزیزانشان را از دست داده‌اند یا آن‌ها را رها کرده‌اند و برای کاهش این آسیب‌های روانی، یا از نظام حمایتی برخوردار نیستند یا مورد حمایت کمی هستند.
- 2 با برخی از بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه صحبت کردیم که متولد نیوزیلند بودند و مسلمان بار آمده بودند و به همین دلیل چیزی نداشتند که با تجربه شخصی‌شان مقایسه‌اش کنند. همچنین با افرادی صحبت کردیم که در نیوزیلند به دنیا آمده و دین خود را به اسلام تغییر داده بودند.

نیوزیلند به طور کلی وجهه مثبتی دارد، اما نژادپرستی، تبعیض و اسلام‌هراسی گسترده‌ای در آن وجود دارد

- 3 اکثر بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه گفتند تجربه‌شان از نیوزیلند و نیوزیلندی‌ها پیش از حمله تروریستی 15 مارس 2019 به طور عمده مثبت بوده است. گفتند نیوزیلند به طور کلی آرام و امن به نظر می‌رسید و هیچ‌گاه فکر نمی‌کردند ممکن است چنین حمله تروریستی‌ای اینجا اتفاق بیفتد. احساس می‌کردند نیوزیلندی‌ها مردمی بسیار پذیرا و بامحبت هستند. چیزهایی در مورد همسایه‌های بامحبت و خوش‌برخورد شنیدیم. گزارش‌هایی از محل‌های کار شنیدیم که فضای لازم را برای اعمال و نیازهای دینی افراد فراهم می‌آوردند و به آن‌ها اجازه می‌دادند مرخصی بگیرند تا در نمازهای جمعه شرکت کنند و طی ساعات کاری امکاناتی برای نماز خواندن فراهم می‌کردند.
- 4 با وجود این تجربه‌های مثبت، تقریباً تمام افرادی که ملاقات کردیم شخصاً موارد نژادپرستی یا تبعیض را تجربه کرده بودند یا whānau و دوستانی را می‌شناختند که چنین تجربیاتی داشتند. یک نفر دیدگاه خود درباره حمله تروریستی 15 مارس 2019 را این‌طور برایمان توصیف کرد:

... این حمله از آن نظر با جریان غالب متفاوت بود که این حملات به عنوان ماحصل زندگی روزانه مسلمانان دیده می‌شوند و نه استثنایی در آن.

- 5 از آنجا که حجاب نشانه مشخص دین است، زنان مسلمان، بسیار بیشتر از مردان، اغلب مورد نژادپرستی و تبعیض قرار می‌گیرند. بسیاری از زنان محجبه‌ای که با ما صحبت کردند گزارش دادند که آزار خیابانی تجربه کرده‌اند و برخی افراد گفتند نگران whānau و دوستان باحجاب‌شان هستند. برخی زنان محجبه گفتند وقتی به تنهایی بیرون می‌روند بیشتر احساس ترس می‌کنند. به ما گفتند پس از حمله تروریستی از رفتن به مکان‌های عمومی و انجام کارهایی که قبلاً جزئی از برنامه روزانه‌شان بود خودداری می‌کردند؛ مانند پیاده بردن کودکان به مدرسه یا حتی پیاده‌روی. یک خانم به ما گفت که حالا وقتی بیرون می‌رود سوییشرت کلاه‌دار می‌پوشد تا حجابش را پنهان کند.

- 6 برخی از والدین برایمان از اذیت‌ها یا حرف‌های آزاردهنده‌ای گفتند که کودکان‌شان در مدرسه یا هنگام حضور در محله در معرض آن قرار گرفته بودند. بسیاری از افراد مورد مصاحبه حرف‌های نژادپرستانه یا نفرت‌آمیزی شنیده بودند که سرنشین‌های ماشین‌های عبوری فریاد زده بودند. برخی افراد این تجربیات را به حساب سوءتفاهم یا درک نادرست از دین اسلام می‌گذارند، اما به هر حال از نظرشان آزاردهنده است.

- 7 برخی افراد گزارش دادند که در محل کار یا هنگام تلاش برای پیدا کردن کار مورد تبعیض واقع شده‌اند. افراد اغلب می‌گفتند احساس استیصال می‌کنند که اگرچه برای سمت‌هایی که برایشان درخواست کار می‌دهند بسیار واجد صلاحیت هستند نتوانسته‌اند کار پیدا کنند. علت آن را نداشتن نام‌های متداول انگلیسی می‌دانند. افرادی که برای تعداد قابل‌توجهی کار درخواست داده بودند که برای آن کارها واجد صلاحیت بودند فکر می‌کردند تعداد بسیار محدودی از دعوت به مصاحبه که

دریافت کرده‌اند در نتیجه تعصب بوده است. از یک خانم شنیدیم که پس از آنکه نامش را برای درخواست کار به یک نام انگلیسی متداول تغییر داد به تدریج درخواست مصاحبه دریافت کرد.

8 چند شخصی که با ما ملاقات کردند گفتند حوادث نژادپرستی را به پلیس نیوزیلند گزارش داده‌اند، اما حس نمی‌کردند منجر به نتیجه‌ای مثبت شده باشد. یا گزارش به صورت رسمی ثبت نشده بود، یا احساس می‌کردند پلیس نیوزیلند حادثه را جدی نگرفته است. از پلیس نیوزیلند نشنیده بودند که در پاسخ به گزارش آن‌ها چه کاری انجام شده است. این مسئله بر اعتماد برخی به پلیس نیوزیلند تأثیر گذاشته و باعث شده است در مورد اینکه پلیس نیوزیلند در صورت ثبت چنین گزارش‌هایی اقدامی می‌کند یا خیر، تردید به وجود بیاید. این تجربیات باعث شد افراد از گزارش مسائل مشابه به پلیس نیوزیلند دلسرد شوند. به ما گفته شد که:

... هردو مسجدی که مورد حمله تروریستی قرار گرفتند هم عقیده‌اند که اگرچه رفتارهای مشکوک درون و اطراف مسجدها چندین بار گزارش شده بود، اما پلیس توجه کافی نشان نداده بود... از نظر افراد اجتماع این کار کوتاهی از وظیفه حفاظت به حساب می‌آید و همچنین با این رفتار نشان می‌دهند که اهمیت نمی‌دهند که مسلمانان مورد تبعیض، سرزنش برای خطاهای دیگران و همچنین افراط گرایی جناح راست و تهدیدهای برترپنداران سفیدپوست قرار گرفته و می‌گیرند و بنابراین باید مورد مراقبت، مسئولیت‌پذیری و هوشیاری ویژه از سوی پلیس قرار بگیرند.

9 افراد در موارد دیگر گفتند که به خود زحمت گزارش کردن حوادث نژادپرستی را نمی‌دهند، چون دیده‌اند افراد دیگر در اجتماع چنین کرده‌اند و به نتیجه مثبتی نرسیده‌اند. یک نفر مسئله را اینطور برایمان شرح داد:

... در حال حاضر چنین ارتباطی وجود ندارد، چون احساس می‌کنیم اجتماع‌مان در درجه دوم قرار دارد. به ما چنین حسی می‌دهند و ما به پلیس چنان اعتمادی نداریم. اگر شخصی به شما حس بی‌اعتمادی بدهد، بعد از چند بار دیگر پیش او نمی‌روید. یک وقتی می‌رسد که دیگر حتی به آن‌ها اعتماد نمی‌کنید و حس می‌کنید با وجود اتفاقاتی که می‌افتد، فایده‌اش چیست که پیش پلیس بروید؟ این طور است که شرایط بسیار خطرناک می‌شود، چون می‌دانید چنین اتفاقاتی می‌افتد اما به خاطر آن احساس و به خاطر عدم اعتماد به پلیس، به خاطر شکاف بزرگ میان مقامات و شما، بین خودتان و افرادی که واقعاً می‌توانند از شما محافظت کنند و جلوی آن را بگیرند فاصله می‌اندازید. پس چطور آن اعتماد را میان آن‌ها ایجاد کنیم و شکاف احساس شهروند درجه دوم بودن را پر کنیم؟

10 اکثر بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه گزارش دادند تجربه‌شان از نیوزیلند پس از حمله تروریستی 15 مارس 2019 تغییر کرده است. اگرچه برخی گفتند نیوزیلند همچنان احساس امنیت دارد، بقیه گفتند نسبت به قبل احساس امنیت کمتری می‌کنند. نگرانی‌ها در خصوص امنیت باعث شده است بعضی از whānau احساس کنند لازم است جوامع محصور داشته باشند، ایمنی و نظارت در محل سکونت‌شان افزایش یابد و پلیس نیوزیلند فعالیت بیشتری برای ایجاد روابط نزدیک با جوامع مسلمان داشته باشد. چند نفر گفتند پس از حمله تروریستی 15 مارس 2019 حوادث نژادپرستی را به پلیس نیوزیلند گزارش داده‌اند و حس کرده‌اند جدی گرفته نشده‌اند.

اثرات تعصب (ناخودآگاه یا به هر شکل دیگر)، به‌ویژه در رسانه‌ها

11 از نظر بسیاری از بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه که با ما صحبت کردند، حمله تروریستی 15 مارس 2019 غیرمنتظره نبوده است. شنیدیم که:

... نشانه‌های مشخص بسیاری خبر از وقوع رویدادهای آن روز داشتند و همه‌شان واضح بودند و همه‌شان توسط کسانی که قدرت داشتند کاری نکنند نادیده گرفته شدند.

12 به ما گفته شد این اتفاق در بستر یک جامعه رخ داد؛ جامعه‌ای که شامل نهادهای دولتی می‌شود که مکرراً نسبت به جوامع

مسلمان و تنوع فرهنگی به طور گسترده‌تر، سوءتفاهم دارد. افراد احساس می‌کردند تعصبی ناخودآگاه در نحوه برخورد نهادهای بخش دولتی با جوامع مسلمان پیش و پس از حمله تروریستی جریان داشت.

اگرچه ممکن است برای افراد خارج از اجتماع مسلمان مشخص نباشد، ارتباط میان گفتمان کلی اسلام‌هراسی و روش‌های به‌خصوص برخورد نهادهای دولتی با اجتماع مسلمان در شرح‌های قربانیان واضح است.

13 برخی افراد در رسانه‌های اجتماعی، به‌خصوص در سال‌های اخیر، متوجه افزایش نظرات نژادپرستانه شده بودند. درخواستی عمومی برای بیشتر جدی گرفتن تهدیدهای آنلاین و بررسی این تهدیدها شنیدیم. ویدئوهای یوتیوب و صفحات فیس‌بوکی به ما نشان داده شد که بحث اصلی‌شان اسلام‌هراسی، نژادپرستی و سایر احساسات نفرت‌آمیز بود و از نظر افرادی که آن‌ها را گزارش می‌دادند شدیداً نگران‌کننده به نظر می‌رسید. این ویدئوها و صفحات همگی از افراد ساکن در نیوزیلند بودند. در برخی موارد به پلیس نیوزیلند در خصوص محتوای افراط‌گرایانه اطلاع داده می‌شد، اما مردم شاهد اقدامات کمی در خصوص حذف این محتواها از پلتفرم رسانه‌های اجتماعی بوده‌اند. برخی افراد احساس می‌کردند که وبسایت‌های دارای محتوای اسلام افراط‌گرایانه در مقایسه با محتوای اسلام‌هراسی بسیار سریع‌تر حذف می‌شدند.

14 بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه برایمان ابراز کردند که باور دارند تلویزیون نیوزیلند و تلویزیون بین‌المللی و رسانه‌های چاپی علیه مسلمانان تعصب دارند. به ما گفته شد بعد از حملات تروریستی 11 سپتامبر 2001 در ایالات متحده آمریکا، گزارشگری متعصبانه به نظر افزایش قابل‌توجهی داشته است. بسیاری گفتند نسبت به نقش رسانه در ترویج تصورات غلط در مورد مسلمانان و اسلام احساس یأس می‌کنند و گفتند گزارشگری رسانه‌ها در افزایش اعتقادات ضد اسلام در نیوزیلند و در سراسر جهان سهم داشته است. به ما گفته شد که:

... رسانه‌ها به مسلمانان افترا بسته‌اند و آن‌ها را شرور جلوه داده‌اند یا حداقل با عدم ارائه ضروایت‌های اساسی این افتراها را نادیده گرفته‌اند و این مسئله موجب نژادپرستی‌ای شده است که آن‌ها هر روز تجربه می‌کنند.

15 ما از تأثیرات واقعی گزارش‌های منفی رسانه بر زندگی روزانه افراد شنیدیم؛ از جمله برداشت‌های اشتباه از اسلام که در خیابان‌ها به شکل طعنه‌های نژادپرستانه بر سر افراد فریاد زده می‌شود. از نظر برخی از افراد در اجتماع مسلمان کرایست چرچ، این طعنه‌ها از زمان انتشار گزارش رسانه‌ای در سال 2014 در مورد اسلام افراط‌گرایانه در کرایست چرچ تشدید شد و اتهاماتی مبنی بر آنکه شخصی در مسجدی در کرایست چرچ به افراط‌گرایی کشانده شده است مطرح شد. این گزارش رسانه‌ای تأثیر قابل‌توجه و مداومی برای اجتماعات مسلمان کرایست چرچ داشت و در سال‌های پس از آن گزارش‌هایی از اتفاقات دنباله‌دار مانند مزاحمت، آزار و اذیت و سرقت در مسجد ثبت شده است. یکی از بازماندگان حمله تروریستی با یادآوری گزارش رسانه سال 2014 گفت پس از آن متوجه شد هر چه بیشتر بر مسائل ایمنی و امنیت در مسجد تمرکز دارد.

16 همچنین حس می‌شد نحوه به تصویر کشیدن شخصی که حمله تروریستی 15 مارس 2019 را انجام داد در رسانه‌ها با سوگیری همراه بود. مقالات رسانه‌ها می‌پرسیدند چطور ممکن است «پسری خوب» حالا «بد» شده باشد؟ بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه احساس می‌کردند که اگر مسلمانی حمله تروریستی را انجام داده بود، رسانه‌ها شخص را به شیوه‌ای متفاوت توصیف می‌کردند و بعید بود بر خوب بودن شخص تمرکز کنند.



فصل 4: سؤالات مطرح شده در خصوص فرد و آنچه نهادهای بخش دولتی از او می‌دانستند

- 1 برخی از بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه از ما سؤال‌هایی در رابطه با شخصی که حمله تروریستی را انجام داد پرسیدند و نظراتشان را درباره او ابراز داشتند. باور دارند فرد تروریست پیش از حمله تروریستی تاریخ 15 مارس 2019 از مسجد النور و مرکز اسلامی لین‌وود دیدار کرده بود. آن‌ها مردی را توصیف کردند که باور دارند فرد تروریست بوده است که در مسجد النور گفتگوهای پفره‌آمیز با افراد، از جمله با امام، انجام داده است و گفتند که کارهای مرد در مسجد، از جمله هنگام نماز، نشان می‌داد مرتب در مسجد شرکت نمی‌کرده است.
- 2 اکثر بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه درک نمی‌کردند فرد چطور قادر بوده است فعالیت‌های آماده‌سازی و برنامه‌ریزی‌اش را بدون آنکه تشخیص داده شود انجام دهد. آن‌ها فکر می‌کنند او حتماً از سوی دوستانش و گروه‌های آنلاین برای انجام حمله تروریستی حمایت می‌شده است. همچنین باور دارند به علت برنامه‌ریزی لازم برای کار، بیش از یک نفر در حمله تروریستی دست داشته‌اند و برخی گزارش دادند شنیده‌اند که شخص تروریست طی حمله تروریستی با افرادی صحبت می‌کرده است.
- 3 بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه که با ما درباره شخص محکوم در حمله تروریستی صحبت کردند سؤال‌های مشخصی داشتند که می‌خواستند از طریق گزارش کمیسیون سلطنتی پاسخ داده شود، از جمله:
 - آیا او برای انجام حمله تروریستی از حمایت مستقیم یا غیرمستقیم برخوردار بوده است؟
 - او چطور قادر بوده است تمام سلاح‌ها و تجهیزات لازم برای انجام حمله تروریستی را بخرد؟
 - او چطور قادر بوده است بدون جلب توجه مقامات آن‌قدر مهمات جمع‌آوری کند؟
 - با توجه به آنکه او به کشورهای سفر کرده بود که دارای هشدار عدم سفر بوده‌اند، چرا به هنگام ورود به نیوزیلند مورد بررسی کامل‌تری توسط اداره مهاجرت قرار نگرفته است؟
 - او چطور از «بهترین زمان» برای ورود به مسجد النور یا مرکز اسلامی لین‌وود مطلع بوده است؟
- 4 در گزارش ما به این‌ها و سؤالات دیگری که اجتماعات در خصوص فرد تروریست داشتند و آنچه نهادهای بخش دولتی از او می‌دانستند پاسخ داده شده است.



فصل 5: راهکارهای پیشنهادی بازماندگان، شاهدان و whānau متاثر از واقعه

- 1 هدف اصلی ما از ملاقات با بازماندگان، شاهدان و whānau متاثر از واقعه آن بود که به حرفشان گوش دهیم. بسیاری از آن‌ها علاوه بر ابراز تجربه‌ها و دغدغه‌های شخصی خود، پیشنهادهای هم برای نحوه رسیدگی به مسائلی که برایمان مطرح کرده بودند دادند.
- 2 به ما گفته شد که بازماندگان، شاهدان و whānau متاثر از واقعه پیش از شرکت در رویه‌های قضایی، از جمله رسیدگی کمیسیون سلطنتی و محاکمه فرد تروریست (آنچه که قرار بود برگزار شود) به زمان برای التیام احتیاج دارند. اگرچه شرکت در رویه‌ها بخشی توانمندکننده از دوره بهبود شخصی بعضی افراد است، اما بعضی از آن‌ها به علت ماهیت وابسته به زمان این رویه‌ها نمی‌توانند در آن شرکت کنند. یک پیشنهاد که به ما داده شد آن بود که یک روند حقوقی ترمیمی بلندمدت پایه‌گذاری شود که محدودیت زمانی نداشته باشد. این رویه می‌تواند با همکاری بازماندگان، شاهدان و whānau متاثر از واقعه برای رسیدگی به نیازهای پیچیده دنباله‌دارشان طراحی شود. این رویه به قربانیان پاسخگویی، التیام، فرصتی برای بیان تجربیاتشان و دفاع از حق خود می‌دهد. این روند بدون محدودیت زمانی، افراد نیازمند حمایت را قادر می‌سازد تا در زمانی که برایشان مناسب است درگیر آن باشند و بدین ترتیب در روند بهبودشان توان به دست آورند.
- 3 به ما گفته شد که بررسی پزشکی قانونی باید انجام شود تا ارزیابی مستقلی از واکنش به حمله تروریستی، شامل واکنش پلیس نیوزیلند و بیمارستان‌ها، به دست آید و اطمینان حاصل شود که تمام سؤال‌های باقیمانده پاسخ داده خواهند شد.
- 4 از برخی بازماندگان، شاهدان و whānau متاثر از واقعه و اعضای «گروه ارجاع اجتماع مسلمانان» شنیدیم که هنگام ایجاد تغییرات در نتیجه گزارش ما و اجرای پیشنهاداتمان، شفافیت از سوی دولت و نهادهای دولتی اهمیت دارد. به ما گفته شد که موظف کردن دولت و نهادهای دولتی برای حصول اطمینان از اجرایی کردن گزارش ما نباید تنها بر دوش اجتماعات باشد. برای مثال، برخی از بازماندگان، شاهدان و whānau متاثر از واقعه پیشنهاد دادند که باید وزیری مسئول بازماندگان، شاهدان و whānau متاثر از واقعه حمله تروریستی و اعمال پیشنهادات کمیسیون سلطنتی وجود داشته باشد؛ مانند وزیر مسئول ورود مجدد به پایک ریور که تمام نهادهای بخش دولتی مربوطه به آن وزیر گزارش می‌دادند.

افزایش امنیت در مسجد

- 5 برخی افراد ابراز داشتند نیاز به افزایش امنیت در مسجد النور و مرکز اسلامی لین‌وود و دیگر اماکن تجمع مسلمان به طور مداوم وجود دارد. راهکارهای امنیتی پیشنهادی شامل تداوم حضور پلیس نیوزیلند، حصول اطمینان از بی‌دفاع نبودن ورودی‌های مسجد، نصب دوربین‌های امنیتی و دیگر اقدامات امنیتی می‌شد. لازم است بودجه آن را دولت تأمین کند. همچنین پیشنهاد شد که امنیت در تمام مکان‌های عبادت مذهبی و نه تنها در مساجد بهبود پیدا کند.

پذیرفتن حقوق بشر، تنوع و کاهش تأثیرات افراط‌گرایی زیان‌آور

- 6 تقریباً تمام افرادی که ملاقات کردیم باور داشتند مبارزه با نژادپرستی و تعصب، نیوزیلند را امن‌تر خواهد کرد و در پیشگیری از حمله تروریستی در آینده سهم خواهد داشت. گفتند که کلید ریشه‌کن کردن نژادپرستی در افزایش آگاهی در سراسر جامعه نیوزیلند است.
- 7 ریشه این نفرت باید قطع شود. نژادپرستی می‌تواند به همه صورت از جمله در رسانه‌ها ریشه‌کن شود. پیام‌های صلح‌آمیز باید بیان شوند.
- 8 برخی افراد گفتند نیوزیلند باید حکم‌های سختگیرانه‌تری برای جرائم نفرت‌محور و حرف‌های نفرت‌پراکنانه داشته باشد. چند نفر پیشنهاد دادند که تعریف نفرت‌پراکنی در قانون حقوق بشر 1993 باید گسترده‌تر شود تا شامل خشونت علیه افراد به دلایل مذهبی شود.
- 8 افراد به ما مجموعه‌ای از ایده‌ها ارائه دادند که چطور می‌شود فرهنگ‌ها و مذهب‌های متنوع و اهمیت تنوع در جامعه نیوزیلند

... احساس می‌کنیم اجتماع مان در درجهٔ دوم
قرار دارد. به ما چنین حسی می‌دهند و ما به
پلیس [نیوزیلند] چنان اعتمادی نداریم. اگر
شخصی به شما حس بی‌اعتمادی بدهد، بعد از
چند بار دیگر پیش او نمی‌روید.

را به مردم آموخت. این ایده‌ها شامل موارد زیر می‌شدند:

- ارائه اطلاعات در خصوص نحوه گزارش حوادث نژادپرستی؛
- پوشش‌های ضدنژادپرستی؛
- پوشش‌های آگاهی عمومی در خصوص فرهنگ‌ها و مذاهب‌های متنوع؛
- گسترش آموزش معلمان و برنامه مدارس به منظور آنکه شامل آموزش در خصوص فرهنگ‌ها و مذاهب‌های متنوع شوند؛
- دعوت از مساجد در سراسر نیوزیلند برای میزبانی رویدادهای اجتماعی؛
- مقامات محلی رویدادهای عمومی را به منظور جشن گرفتن رویدادهای اسلامی مانند عید حمایت و سازماندهی کنند، همانطور که بسیاری برای جشن گرفتن رویدادهای فرهنگی دیگری مانند ماتاریکی، سال نوی چینی و دیوالی می‌کنند؛ و
- دعوت از رهبران اجتماع مسلمان تا گفت‌وگوهای عمومی در خصوص اسلام و انجام گفتگوهای میان‌دینی بیشتر را پیش ببرند.

اصلاحات نظام امنیت ملی نیوزیلند

9 برخی از افرادی که ملاقات کردیم پیشنهاد دادند اصلاحاتی در نظام امنیت ملی نیوزیلند انجام شود. آن‌ها احساس می‌کردند نهادهای امنیتی باید فعال‌تر باشند. به طور ویژه گفتند نهادهای امنیتی باید نظارت بر ضدمسلمانان، جناح راست افراط‌گرا و سایر تهدیدهای متوجه اجتماعات آسیب‌پذیر در رسانه‌های اجتماعی را افزایش دهند و باید تهدیدهای آنلاین را بسیار بیشتر جدی بگیرند.

برداشت‌های اشتباه و ترس از اهداف معنوی و فلسفه دین اسلام از دیرباز حتی در جوامع آرامش‌طلب با فرهنگ‌های متنوع که در آن اسلام یک مذهب اقلیت است وجود داشته است. چنین برداشت‌های اشتباهی در دست افراط‌گرایان برترپندار، اساس ایدئولوژیک حملات را شکل داد. بنابراین بسیار حیاتی است که اجازه داده نشود چنین برداشت‌های اشتباهی مسائل کلی‌تر رویکرد مبتنی بر نظام را تشدید کنند.

10 برخی افراد پیشنهاد می‌دهند آموزش بیشتری به کارکنان جامعه سراسری اطلاعات نیوزیلند داده شود تا تهدیدهای رو به گسترش را زودتر تشخیص دهند.

11 به ما گفته شد که نهادهای بخش دولتی باید افرادی با تخصص مناسب را جذب کنند و این تخصص‌ها، از جمله تخصص فرهنگی، را توسعه دهند تا بتوانند موارد زیر را درک کنند:

- چالش‌ها و نیاز افراد به بهبود یا افراد و اجتماعات دچار آسیب‌های روانی؛
- چالش‌هایی که افرادی که با افراد و اجتماعات دچار آسیب‌های روانی کار می‌کنند به احتمال زیاد با آن مواجه خواهند شد و نیاز حصول اطمینان از آنکه خدمات ترجمه کتبی و شفاهی موجود است؛
- افرادی که تروریسم را تجربه کرده‌اند احتمالاً به چه نحوی اطلاعات را دریافت و پردازش می‌کنند؛

مهم است که نهادهای حمایت‌کننده درک کنند که پردازش اطلاعات برای قربانیان به هنگام احساس فشار عاطفی دشوار است. آسیب روانی ممکن است به شکل‌های مختلفی بر پردازش اطلاعات تأثیر بگذارد.

- نحوه ایجاد همکاری‌های مبتنی بر اعتماد با جوامع آسیب‌پذیر؛ و

بسیار اهمیت دارد که فعالانه به جوامع متأثر گوش دهند، آن‌ها را مورد حمایت قرار دهند و به طور مناسب با آن‌ها مشارکت کنند - که هر سه مورد از هم جدایی‌ناپذیرند - تا در پی آن امکان ارائه خدمات و حمایت مناسب به آن‌ها وجود داشته باشد

- حمایت از نیازهای بهبود روانی شامل فعالیت‌های مشارکت در اجتماع شود.

از پلیس درخواست می‌شود به جای ارائه حضوری ظاهری و منفعلانه، در راستای ایجاد رابطه حقیقی مبتنی بر توجه و هوشیاری در اجتماع فعالیت کند و نسبت به نیازها و امنیت اجتماع توجه نشان دهد.

12 به ما گفته شد رویکرد انسان‌محور به بهبود (به طور ویژه، مبتنی بر سلامت بازماندگان) اهمیت دارد. عنصر اساسی در این مسئله آن است که به بازماندگان فرصت و فضای آن داده شود که صدایشان شنیده شود و در ایجاد راهکارهای بلندمدت شرکت داشته باشند.

بسیار اهمیت دارد که صدای قربانیان را به گوش دیگران برسانیم. قربانیان اعتقاداتی تأمل‌برانگیز و همچنین ایده‌هایی برای راهکارهای مسائل کلیدی دارند، اما برایشان دشوار است که ایده‌هایشان را به گوش دیگران برسانند.

13 به ما گفته شد رویکرد انسان‌محور بیشتر بر حل مشکلات و یافتن راهکار تمرکز دارد و ذاتاً بر آینده متمرکز است. رویکرد دیگر، رویکرد نظام‌محور است که بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه تجربه کرده‌اند و به جای آنکه بر نیازهای کسانی متمرکز باشد که نظام باید از آن‌ها حمایت کند، روی واکنش به خطر یا مشکلات متمرکز بوده است.

14 همچنین پیشنهاد شد که نهادهای بخش دولتی به عنوان بخشی از برنامه‌ریزی آمادگی‌شان، برای نیازهای بلندمدت بهبود اجتماعات برنامه‌ریزی کنند و گفته شد این برنامه‌ها باید انعطاف‌پذیر و تطبیق‌پذیر باشند. برای مثال، ممکن است لازم باشد بسته به ماهیت رویدادی که اجتماعات از آن بهبود می‌یابند نحوه تعریف بازماندگان تغییر کند. همچنین، اجتماعات مختلف whānau را به روش‌های متفاوتی دسته‌بندی می‌کنند و لازم است این مسئله مدنظر قرار داده شود.



فصل 6: سایر مسائل مطرح شده توسط بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه

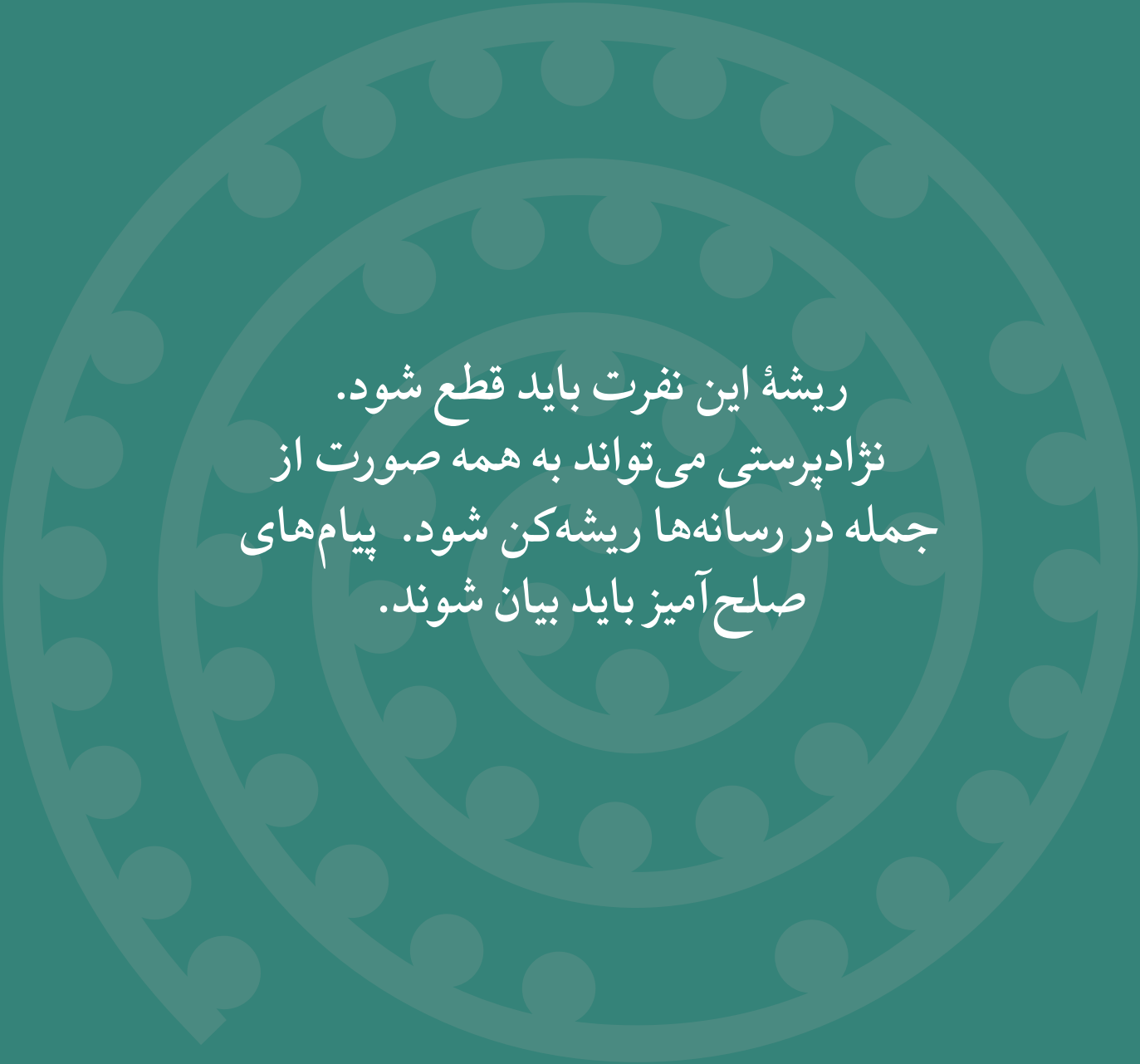
- 1 رویکردی که ما در جلسات با بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه داشتیم، به خصوص از آنجا که آن‌ها پیش‌برنده جلسات بودند و درباره آنچه می‌خواستند با ما صحبت می‌کردند، به آن معنا بود که درباره مسائلی خارج از حیطه وظایف مان از افکار و نظرات افراد باخبر شدیم.
- 2 همان‌طور که پیش‌تر در این سند اشاره شد، حیطه وظایف ما ایجاب می‌کند به مردم نیوزیلند اطمینان خاطر ببخشیم. بنابراین فکر می‌کنیم اهمیت دارد که گستردگی مسائلی که برای بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه مورد مصاحبه، مهم بودند را ثبت کنیم.

پاسخ پلیس نیوزیلند به حمله تروریستی

- 3 از افراد بسیاری در مورد پاسخ به حمله تروریستی شنیدیم؛ از جمله مشاهداتی در خصوص آنکه پاسخ‌دهندگان برای برخورد با حمله تروریستی چقدر مجهز بودند. این تنها مسئله‌ای بود که بیش از همه در تمام جلسات مان با بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه مطرح شد.
- 4 افرادی که ملاقات کردیم از اینکه چقدر طول کشید تا پلیس نیوزیلند به مسجد النور برسد و اجازه دهد خدمات پزشکی اورژانسی از صف پلیس نیوزیلند بگذرند ابراز خشم، اندوه، یأس و نگرانی کردند. تقریباً تمام افرادی که ملاقات کردیم معتقد بودند اگر زخمی‌ها زودتر تحت درمان پزشکی قرار گرفته بودند جان‌های بیشتری نجات داده می‌شد.
- این حس وجود دارد که برخلاف اعضای اجتماع که فعالانه تلاش می‌کردند دستورالعمل‌های روشن و دقیق بدهند تا از هرج‌ومرج اجتناب شود، پلیس برای پاسخ کافی و مناسب ضعف تکان‌دهنده‌ای از خود نشان داده است.
- 5 بسیاری از افرادی که در این باره برایمان صحبت کردند همچنین ناراحت بودند که پلیس نیوزیلند به سرعت وارد عمل نشد تا از مساجد دیگر و مکان‌های تجمع اجتماع مسلمانان محافظت کند. آن‌ها معتقدند اگر پلیس نیوزیلند به سرعت نیروهایی را در مرکز اسلامی لین‌وود مستقر کرده بود، امکان نجات جان‌های بیشتری در آن مکان وجود داشت. به ما گفته شد که برخی از بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه تجربه‌های خود را با موقعیت‌ها یا تجربه‌های مشابه خشونت با اسلحه در کشورهایی که از آن به نیوزیلند آمده بودند مقایسه می‌کردند و نهادهای آن کشورها...
- 6... بسیار بیشتر نسبت به اضطراب وضعیت واکنش و توجه نشان می‌دادند.
- 6 ما در hui خود با بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه در تاریخ 8 نوامبر 2020 شنیدیم که آن‌ها هنوز سؤالات بی‌پاسخی در مورد واکنش پلیس نیوزیلند و بیمارستان‌ها به حمله تروریستی دارند.
- 7 بسیاری از بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه گفتند رئیس پلیس سابق، مایک بوش، اعلام کرده بود بررسی مستقلی از واکنش پلیس نیوزیلند به حمله تروریستی انجام خواهد شد. بسیاری از بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه احساس ناراحتی می‌کردند که نتایج بررسی به عموم اعلام نشده و تا به حال باید اعلام می‌شد. برخی از بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه احساس می‌کردند اعتماد و اطمینان‌شان نسبت به پلیس نیوزیلند به دلیل عدم اعلام نتیجه بررسی، بیش از پیش کمتر شده است. برخی از بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه حدس می‌زدند بعضی نقایص در این بررسی آشکار شده بود که پلیس نیوزیلند نمی‌خواست در مورد آن‌ها شفاف باشد.

تعامل فرد با نظام عدالت کیفری

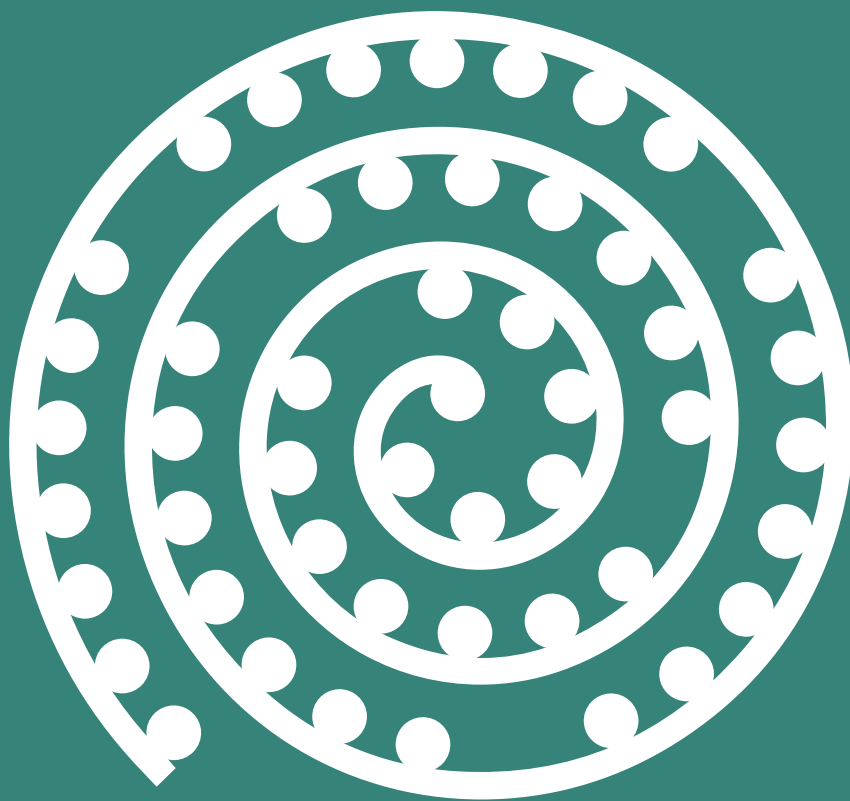
- 8 برخی از افراد مورد مصاحبه نگران بودند که شرایط زندان در نیوزیلند به قدر کافی برای فرد تروریست سخت گیرانه نباشد. چند نفر پیشنهاد دادند که حکم اعدام برای هرکسی که در حمله تروریستی محکوم شناخته شده باشد مجازاتی مناسب خواهد بود.
- 9 چند نفر از آنکه فرد تروریست توانسته بود در زندان نامه‌هایی به افراد هم‌عقیده‌اش بفرستد اظهار نگرانی و یأس کردند. آن‌ها پرسیدند چطور چنین چیزی مجاز دانسته شده است و از اداره اصلاح و تربیت انتظار پاسخگویی داشتند. شنیدیم لازم است جلوی افراط گرایانی که در زندان هستند گرفته شود تا نتوانند عقاید زیان‌بار خود را رواج دهند.



ریشهٔ این نفرت باید قطع شود.
نژادپرستی می‌تواند به همه صورت از
جمله در رسانه‌ها ریشه‌کن شود. پیام‌های
صلح‌آمیز باید بیان شوند.

ضمیمه: فرآیند آماده‌سازی این سند

- 1 ما در روند مشارکت با بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه، حجم قابل توجهی از مطالب را از راه جلسات، اظهارنامه‌ها و سایر تعاملات دریافت کردیم. جلسات با بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه به طور خصوصی برگزار می‌شد، اما ما در کمیسیون سلطنتی با اجازه کسانی که ملاقات می‌کردیم برای ثبت شرحی از آنچه می‌شنیدیم یادداشت برمی‌داشتیم.
- 2 ما یادداشت‌ها و مطالب دیگری که از بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه دریافت کردیم را کنار هم گذاشتیم تا موضوعات و مباحث‌های مشترک را شناسایی کنیم. این کار ما را قادر ساخت داستان‌ها، تجربه‌ها و شواهد آن‌ها را اینجا به طور کلی بیاوریم و بدین صورت تجربه افراد مشخصی را به طور دقیق نقل‌قول نکنیم و به ماهیت محرمانه تعاملات مان با آن‌ها احترام بگذاریم. در جایی که نقل‌قول آمده است، برای استفاده از نقل‌قول‌ها از آن‌ها اجازه خواستیم و اجازه دریافت کردیم.
- 3 این سند از داستان‌ها، تجربه‌ها و شواهد کسانی که بیش از همه توسط حمله تروریستی متأثر شده‌اند هیچ نتیجه‌ای نمی‌گیرد و در خصوص آن‌ها نظری نمی‌دهد. همچنین عقیده‌ای را نسبت به عقیده دیگر ترجیح نمی‌دهد. بلکه هدف از این سند ارائه فضایی مناسب برای صدای whānau شهید، بازماندگان و شاهدان حمله تروریستی و whānau آن‌ها است. این صداها سزاوار آن هستند که شنیده شوند.



نماد ما الهام گرفته از koru (برگ جوان و مارپیچی سرخس در حال باز شدن، نمادی مهم در هنر مائوری) نماد همیشگی و جاودانه Aotearoa نیوزیلند است.

برگ سرخس در حال باز شدن، نماد صلح، آرامش، رشد، تغییرات مثبت و بیداری است. این بُعد صلح در ذات معنای آیین زنده اسلام نیز نهفته است. ما این taonga را به مسیری که نیوزیلندی‌ها برای تبدیل شدن به جامعه‌ای امن‌تر و پذیرا تر در پیش رو دارند تشبیه کرده‌ایم.

نقش koru با هفت گروه هفت‌تایی از برگ‌های سرخس در حال باز شدن همچنین به این اشاره دارد که 15 مارس 2019 طبق تقویم قمری مصادف با 7 رجب 1440، هفتمین روز هفتمین ماه اسلامی است.

